



امام حسین علیہ السلام وارث پیامبران

کتابخانه

مرکز تخصصی کتاب، علوم اسلامی

شماره ثبت:

۲۹۹۳۱

تاریخ ثبت:



امام حسین (ع) وارث پیامبران

مؤلف..... اکبر دهقان
ناشر..... حرم
شمارگان..... ۵۵۰۰ نسخه
نوبت چاپ..... اول
سال..... ۱۳۸۸ تابستان

قطع..... رقعی
چاپخانه..... امیران
صحافی..... نمونه
نظارت..... دفتر طرح و اجرای کتاب هزاره
صفحه آرای..... موسوی
گرافیک..... طرح نو

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۸۵-۲۸-۶

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به مؤلف است

قیمت: ۱۹۰۰ تومان

مرکز بخش ۱ قم خیابان امام- خیابان نوابیر- کوچه ۵- پلاک ۱۰

انتشارات حرم- تلفکس ۰۲۵۱-۶۶۵۶۲۶۰ - ۰۹۱۲۷۴۶۵۰۶۲

مرکز بخش ۲ قم - بلوار امین- کوچه ۲۷- پلاک ۱۳ ۰۲۵۱-۲۹۳۲۶۷۸

Haram_ketab@yahoo.com

ابداع

چهارده معصوم علیهم السلام

۱. امام حسین علیه السلام وارث کمالات پیامبران ۹
- برنامه های پیامبران: ۱۱
۲. امام حسین علیه السلام وارث حضرت نوح علیه السلام ۱۷
۳. امام حسین علیه السلام وارث حضرت ابراهیم علیه السلام ۱۹
۴. امام حسین علیه السلام وارث حضرت موسی علیه السلام ۲۴
۵. امام حسین علیه السلام وارث حضرت عیسی علیه السلام ۲۹
۶. امام حسین علیه السلام وارث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳۲
۷. امام حسین علیه السلام وارث صبر پیامبران ۴۰
۸. امام حسین علیه السلام وارث توکل پیامبران ۴۳
۹. شباهت های امام حسین علیه السلام به حضرت یحیی علیه السلام ۴۵
۱۰. شباهت های امام حسین علیه السلام به قرآن کریم ۴۷
۱۱. امام حسین علیه السلام و عمل به آیات قرآن کریم ۵۰
۱۲. امام حسین علیه السلام مصباح هدایت ۵۴
- تعبیر به مصباح ۵۳
- کارایی مصباح ۵۶
- علت بروز مشکلات در جامعه ۵۷
۱۳. آگاهی امام حسین علیه السلام از شهادت ۶۰
۱۴. ولادت عمومی و خصوصی امام حسین علیه السلام ۶۴
۱۵. فضیلت و ویژگی های امام حسین علیه السلام ۶۸
- ویژگی های امام حسین علیه السلام ۷۰
۱۶. امام حسین علیه السلام مظهر عزت الهی ۷۴
- عزت و ذات ۷۳
- عوامل عزت ۷۵
- عوامل ذات ۷۷
- سختن امام حسین علیه السلام پیرامون عزت ۷۸
۱۷. امام حسین علیه السلام و آزادی ۸۱
- آزادی در همه احوال زندگی ۸۲
- عبادت آزادگان ۸۳
- عوامل آزادی ۸۳
۱۸. امام حسین علیه السلام و احیاء حق ۸۶
- بایداری حق و زوال باطل ۸۹

- نبرد حق و باطل ۹۰
۱۹. امام حسین علیه السلام و دفاع از دین ۹۲
۱. معنای دین؛ ۹۳
۲. ویژگی‌های دین اسلام؛ ۹۳
۳. نشانه‌های دین‌داران؛ ۹۴
۴. وظایف انسان در برابر دین؛ ۹۴
۲۰. امام حسین علیه السلام و اصلاح جامعه انسانی ۹۶
- اهمیت اصلاح ۹۶
- انواع اصلاح ۹۷
- اصلاح خانواده ۹۸
- اصلاح خداوند بر دو قسم است؛ ۹۸
۲۱. امام حسین علیه السلام و دیدن ملکوت جهان ۹۹
- حضرت موسی علیه السلام ۱۰۰
- حضرت یوسف علیه السلام ۱۰۰
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۰۱
۲۲. حادثه بی‌نظیر کربلا ۱۰۴
- نکته بسیار مهم ۱۰۷
۲۳. فرسوده نشدن حادثه کربلا ۱۰۹
- بهره‌مندی انسان‌ها از قیام امام حسین علیه السلام ۱۱۰
- نکته لطیفه؛ ۱۱۱
۲۴. ولایت تکوینی امام حسین علیه السلام ۱۱۳
۱. اجابت نفرین ۱۱۳
۲. دعای باران ۱۱۳
۳. زنده شدن مرده ۱۱۳
۵. پیدا کردن مرکب ۱۱۴
۶. اجابت دعا ۱۱۵
۲۵. عزاداری برای امام حسین علیه السلام ۱۱۶
- پاسخ به هشت پرسش ۱۱۶
۱. چه دلیلی از قرآن کریم برای عزاداری وجود دارد؟ ۱۱۶
- خرج دادن برای امام حسین علیه السلام ۱۱۷
- عزاداری برای امام حسین علیه السلام مزد رسالت است؛ ۱۱۷
۲. آفات عزاداری چیست؟ ۱۱۷
۳. عزاداری برای امام حسین علیه السلام تا چه حد مجاز است؟ ۱۱۹
۴. آیا طرح مباحث و اشعاری که موجب خفت و خواری امام حسین علیه السلام می‌شود، جایز است؟ ۱۱۹

۵. آیا تشکیل جلسات بحث و گفتگو و میزگرد و سمینار بهتر از عزاداری نیست؟ ۱۲۰
۶. ذکر نواب‌های عجیب و غریب برای عزاداری تا چه اندازه صحیح است؟ ۱۲۰
۷. چرا فقط برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌شود، نه برای امامان دیگر؟ ۱۲۰
۸. فلسفه سیاه‌پوشی در ایام عزاداری چیست؟ ۱۲۱
۲۶. تقویم کربلا ۱۲۲
۲۷. اصحاب بی‌نظیر امام حسین علیه السلام ۱۲۵
۲۸. حادثه کربلا و ارزیابی خویشین ۱۳۳
۲۹. فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام ۱۳۶
- سه یادسپاری ۱۳۸
- جامعیت زیارت امام حسین علیه السلام ۱۳۹
- اوقات زیارت امام حسین علیه السلام ۱۳۹
- برتری زائر امام حسین علیه السلام بر زائر بیت‌الله ۱۴۰
- آداب زیارت ۱۴۱
- نواب گریه بر امام حسین علیه السلام ۱۴۳
- گریه پیوسته و جاودانه بر امام حسین علیه السلام ۱۴۳
- سخن مضمومین علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام ۱۴۴
۳۰. درس‌هایی از امام حسین علیه السلام ۱۴۶
۱. صبر: ۱۴۷
۲. حقیقت‌گویی: ۱۴۷
۳. آزادگی: ۱۴۷
۴. حمایت از دین: ۱۴۸
۵. بزرگواری حتی با دشمن: ۱۴۸
۶. وفاداری نسبت به برادر: ۱۴۸
۷. معرفی شتمگر و طاغوت زمان: ۱۴۹
۸. حمد در برابر نعمت و تقمت: ۹. اقرار به فضیلت دیگران: ۱۴۹
۱۰. پرهیز از دنیا: ۱۱. توبه‌گیری برای آخرت: ۱۴۹
۱۲. گذشت از دنیا و اشتیاق به آخرت: ۱۵۰
۱۳. اصلاح طلبی: ۱۴. امر به معروف و نهی از منکر: ۱۵۰
۱۵. نابود ساختن بدعت‌ها! ۱۵۱
۱۶. اجرای احکام الهی: ۱۵۱
۱۷. عدم بیمت با شتمگر زمان: ۱۵۱
۱۸. بذل جان در راه دوست: تعلیم و تزکیه مردم: ۱۵۲
۲۰. عفو و گذشت از گناه افراد: ۱۵۲
۲۱. عزت طلبی: ۱۵۲
۲۲. توکل: ۲۳. تسلیم: ۲۴. بندگی: ۲۵. مناجات با خداوند: ۱۵۲

پیش گفتار

در قرآن کریم کمالات و فضائل فراوانی برای پیامبران الهی بیان شده است، از جمله: عصمت و طهارت نفس، آگاهی از غیب، ولایت تکوینی، زهد، اخلاص، شجاعت، صبر، توکل، یقین، احسان، وفای به عهد، رضا و تسلیم، تواضع و فروتنی، عزت نفس، بذل و بخشش و... در زیارت وارث، امام حسین علیه السلام میراث بر پیامبران بزرگ الهی معرفی شده است «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى کَلِیمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِیْسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ».

آنچه از این زیارت درباره امام حسین علیه السلام استفاده می‌شود، آن است که:
 حَسَنُ یُوسُفَ یَدُ بَیضَا دَمِ عِیْسَى دَارِی
 آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

امام حسین علیه السلام تنها وارثی است که مورثانش یعنی پیامبران، کربلای او را زیارت کردند «مَا مِنْ نَبِیٍّ إِلَّا وَقَدَ زَارَ کَرْبَلَا»^۱ و در عزای او

اشک ماتم ریختند و پیروانش آرزوی شهادت در محضرش را داشتند «یا لَیْسَى کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِیْماً».

امام حسین علیه السلام تنها امامی است که در دعای توسل تعبیر به «آنها الشَّهِید» شده است.

امام حسین علیه السلام تنها امامی است که مصیبتش به اندازه‌ای بزرگ و سنگین بود که تمامی مصائب در نزد آن کوچک به شمار می‌رود «تصغر عندها المصائب».^۱

کتابی که در پیش رو دارید قطره‌ای از دریای کلمات و مناقب امام حسین علیه السلام است.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

این کتاب مشتمل بر ۳۰ سخن به‌طور جداگانه است که قسمتی از آن پیرامون وراثت سرور و سالار شهیدان از پیامبران و قسمتی دیگر مباحث قرآنی و حدیثی و تاریخی درباره امام حسین علیه السلام است. برخی از موضوعات این کتاب در دهه محرم در مسجد امام صادق علیه السلام واقع در پردیسان در جمع گروهی از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم مطرح گردید و از آنجا که مجموعه‌ای مختصر و مفید بود، مناسب دیدم بعد از تحقیق و تنظیم، آن را در اختیار خوانندگان محترم به‌ویژه مبلغان گرانقدر قرار دهم. امیدوارم خداوند متعال این اثر ناقابل را به لطف و کرم خویش بپذیرد.

اکبر دهقان

۱. امام حسین علیه السلام وارث کمالات پیامبران

۱. خشیت از خداوند

انبیاء از خداوند خشیت داشتند (الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ
يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا)^۱.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می گوید: «اللهم اجعلني اخشاك
كأني أراك».

۲. علم غیب

انبیا دارای علم غیب بودند. (إِنَّمَا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ)^۲ امام
حسین علیه السلام نیز دارای علم غیب بود. آن حضرت می دانست او را به
شهادت می رسانند.

«و لكن اعلم علماً أنّ هناك مصرعی و مصرع اصحابی لا ینجوا
منهم الا ولدی علی.»^۱

۳. صبر ۴. توکل

انبیاء دارای صبر و توکل بودند (وَمَا لَنَا اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَی اللّٰهِ وَقَدْ
هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَی مَا اَآذِیْتُنَا).^۲

امام حسین علیه السلام فرمود: «صبراً علی بلائک» و نیز فرمود: «انت
تقتی فی کل کرب».^۳

۵. هدایت ۶. عبادت

انبیاء هدایت گر مردم و بنده خدا بودند (وَجَعَلْنَاهُمْ اٰیْمَةً یَهْدُوْنَ
بِاٰمِرِنَا وَ اَوْحٰیْنَا اِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخٰیْرٰتِ وَاِقَامَ الصَّلٰوةِ وَاِیْتَاءَ الزَّكٰوةِ وَكَانُوا
لَنَا عٰبِدِیْنَ).^۴

امام حسین علیه السلام فرمود: «انّی احبّ الصلوة و تلاوة کتابه و كثرة
الدعاء و الاستغفار».

«انّ الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة».^۵

۱. بخار ۳۶۴/۲۲

۲. ابراهیم ۱۲

۳. بخار ۴/۲۵

۴. انبیاء ۷۳

۵. بخار ۱۸۴/۹۲

۷. اخلاص

انبیاء دارای اخلاص بودند (قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ).^۱

برنامه های پیامبران:

۸. دعوت به تقوا

(إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ).^۲

همین مضمون از هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام نیز بیان شده است.^۳

۹. دعوت به عبادت خدا

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ).^۴
(وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ).^۵

همین مضمون از حضرت صالح علیه السلام و لوط علیه السلام نیز نقل شده است.^۶
امام حسین علیه السلام نیز مردم را به تقوا و عبادت خدا دعوت می کرد.

۱. ص ۸۲-۸۳

۲. شعراء ۱۰۶-۱۰۸

۳. شعراء ۱۲۴-۱۶۱

۴. نحل ۲۶

۵. اعراف ۶۵

۶. شعراء ۱۶۱

۱۰. خداوند به حضرت زکریا ذریه طیب عنایت کرد.
 رَبُّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * فَتَدَاثَهُ
 الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمَحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا
 بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ)¹.

خداوند به امام حسین علیه السلام نیز ذریه طیبه عنایت کرد «و الإمامة من نسله».

۱۱. اوصاف دیگری از پیامبران خداوند متعال اوصافی از قبیل عبد، صالح، خیر، صبر، اخلاص، احسان و مانند آنرا برای پیامبرانی مانند زکریا، یحیی، الیاس، ادريس، اسماعیل، الیسع، یونس، لوط، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و مانند آن بیان کرده است که تمام این اوصاف برجسته در امام حسین علیه السلام نیز وجود داشته است به آیات ذیل توجه کنید.
 - الف؛ (وَ إِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ * وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ)².

- ب؛ (وَ زَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ)³.
 (إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ)⁴.

۱. آل عمران ۳۸-۳۹

۲. انبیاء ۸۵-۸۶

۳. انعام ۸۵

۴. صفات ۱۳۱

ج: (وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ).^۱

د: (وَأَذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلًّا مِنَ الْآخِيَارِ).^۲

ه: (وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ * إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ * وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ).^۳

۱۲. حضرت آدم علیه السلام خلیفه خدا و معلم فرشتگان

(إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً).^۴

(يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ).^۵

امام حسین علیه السلام نیز دارای این دو ویژگی است.

۱۳. حضرت سلیمان رضای حق را جويا بود.

(قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ).^۶

۶. كَشَفَ الْفَهْمَ ۲/۲۹

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «رضی الله رضانا اهل بیت». ^۷

۱. انعام ۸۶

۲. ص ۲۸

۳. ص ۲۵-۲۷

۴. بقره ۳۰

۵. بقره ۲۳

۶. احقاف ۱۵

۷. کشف الفه ۲/۲۹

۱۴. حضرت داوود و سلیمان بر بسیاری از مردم فضیلت داشتند از این رو سپاسگزار خداوند بودند.

(وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ).^۱

امام حسین علیه السلام نه تنها بر مردم بلکه بر همه انبیاء غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فضیلت دارد.

۱۵. حضرت داود و حضرت سلیمان در نزد خداوند از منزلت ویژه‌ای برخوردار بودند.

(وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ).^۲

امام حسین علیه السلام نیز نزد خداوند از منزلت بالاتری برخوردار است. «أَنْ لَّكَ دَرَجَةٌ لَا تَنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ».

۱۶. حضرت ایوب و سلیمان هر دو از بهترین بندگان خدا بودند. جمله (نعم العبد أنه أوأب) درباره هر دو بزرگوار بیان شده است. امام حسین علیه السلام نیز از بهترین بندگان خداوند است.

۱۷. حضرت ایوب صابر بود.

(إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا).^۳

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «نصیر علی بلائه».^۴

۱. نمل ۱۵

۲. ص ۲۵ و ۲۰

۳. ص ۴۴

۴. کشف الغم ۲/۲۹

۱۸- حضرت اسماعیل مرضی خداوند بود.

(وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ ... * وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا)¹.

امام حسین علیه السلام نیز صابر و مرضی خداوند بود، از این رو فرمود:
«رضی الله رضا اهل البیت نصبر علی بلائه و یوقینا اجور
الصّابرين»².

۱۹. حضرت یعقوب در فراق یک فرزند صبر جمیل کرد.

(فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ)³.

امام حسین علیه السلام در شهادت ۷۲ تن صبر جمیل کرد.

۲۰. حضرت یوسف گناه برادران را بخشید.

(لَا تَتْرِبَ عَلَيْنَا الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ)⁴.

امام حسین علیه السلام نیز گناه حُر بن یزید ریاحی را بخشید.

۲۱. حضرت شعیب فرمود به اندازه توان خود اراده اصلاح گری

دارم.

(إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ)⁵.

۱. مريم ۵۲-۵۵

۲. کشف الغمبه ۲/۲۹

۳. يوسف ۱۸

۴. يوسف ۹۲

۵. هود ۸۸

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «وَأَمَّا خَرَجْتُ لَطَلِبُ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى (ص) ارید ان امر بالمعروف و أنهی عن المنکر»^۱.

۲۲. حضرت یعقوب به خداوند شکایت کرد؛

(قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بِنْتِي وَ خَزَنِي إِلَى اللَّهِ)^۲.

امام حسین علیه السلام نیز به خداوند شکایت کرد «اللَّهُمَّ أَنْتَ اشْكُوا إِلَيْكَ

مَا يَفْعَلُ بَابِنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ»^۳.

در جای دیگر می فرماید: «اللَّهُمَّ احْصِهِمْ عِدْدًا و اقْتُلِهِمْ بَدَدًا و لا تَبْقِ مِنْهُمْ أَحَدًا»: خداوندا به تو شکایت می کنم به آنچه بر فرزند پیامبرت روا می دارند. خدایا آنها را شماره کن و تا آخرین نفر بکش و فردی از آنها را بر روی زمین مگذار.^۴

۲۳. حضرت یوسف به خداوند پناه برد؛

(وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ)^۵.

امام حسین علیه السلام نیز به خداوند پناه برد. «اللَّهُمَّ أَنْتَ اعُوذُ بِكَ مِنْ

الْكَرْبِ و الْبَلَاءِ»^۶.

۱. بحار ۴۴/۳۲۹

۲. یوسف ۸۶

۳. بحار ۲۵/۵۰

۴. بحار ۲۵/۵۲

۵. یوسف ۲۳

۶. بحار ۴۲/۳۸۱

۲. امام حسین علیه السلام وارث حضرت نوح علیه السلام

- ۱- کشتی نوح باعث نجات مؤمنان شد (فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ)^۱.
- ۲- مؤمنان به نوح علیه السلام نیز اندک بودند (وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ)^۲.
امام حسین علیه السلام کشتی نجات است^۳ و مؤمنان و اصحاب او اندک بودند.
- ۳- حضرت نوح کارش را در محضر خدا انجام داد (وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا)^۴.
امام حسین علیه السلام نیز برنامه‌اش در محضر خداوند بود. به هنگام شهادت فرزندش علی اصغر فرمود: «هُوَ عَلِيٌّ أَنَّهُ بَعِيْنُ اللَّهِ»^۵.

۱ . هکبوت ۱۵

۲ . هود ۴۰

۳ . بحار ۱۸۲/۹۲

۴ . هود ۳۷

۵ . بحار ۲۶/۲۵

۴- حضرت نوح عبد شکور بود (إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا).^۱

امام حسین علیه السلام نیز عبد شکور بود از این رو در دعای عرفه برای همه نعمتها خداوند را شکر گزاری می کند.

۵- حضرت نوح متواضع بود از این رو فرمود: من مؤمنان را طرد نمی کنم (وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ).^۲

امام حسین علیه السلام نیز متواضع بود و به همین جهت وقتی مستمندان او را دعوت کردند، دعوت آنان را پذیرفت.

۶- دعوت حضرت نوح علیه السلام مستمر بود (إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا).^۳

دعوت امام حسین علیه السلام نیز مستمر بود.

۱. اسراء، ۲

۲. شعراء، ۱۱۴

۳. نوح، ۵

۳. امام حسین علیه السلام وارث حضرت ابراهیم علیه السلام

۱- حضرت ابراهیم علیه السلام در بنای کعبه عرضه داشت: (رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ).^۱

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقِرْبَانَ».

۲- حضرت ابراهیم دست زن و بچه را گرفت به بیابان مکه آمد تا

نماز اقامه شود. (رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ

بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ).^۲

در خطاب به امام حسین علیه السلام در زیارت نامه می خوانیم: «اشهد

أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ».

۳- حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام یقین رسید. (وَكَذَلِكَ نُرِي

إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ).^۳

امام صادق علیه السلام درباره امام حسین علیه السلام می فرماید: «عبدت الله حتى

اتاك اليقين بالحكمة و الموعدة الحسنة». ^۴

۱. بقره ۱۲۷

۲. ابراهیم ۳۷

۳. انعام ۷۵

۴. تعذیب الاحکام ۵/۶

۴- حضرت ابراهیم علیه السلام با بت پرستی مبارزه کرد. (أَفْ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ) ^۱ (وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ). ^۲

امام حسین علیه السلام نیز با یزید مبارزه کرد و فرمود: «یزید رجل فاسق شارب الخمر قاتل النفس المحرمه معطن بالفسق و مثلى لا يبايع مثله». ^۳

۵- حضرت ابراهیم و اسماعیل تسلیم فرمان خدا بودند. (فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ). ^۴

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «تسليماً لأمرک لا معبود سواک».

۶- حضرت ابراهیم نعمتهای حق را بیان کرد: (الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ). ^۵

امام حسین علیه السلام نیز در دعای عرفه نعمتهای خداوند را بیان کرد: «... حتی اذا اتممت علی جمیعاً النعم و صرفت عنی کلّ النقم ... فان دعوتک اجبتنی و ان سئلتک اعطیتنی و ان اطعتک شکرتنی و ان شکرتمک زدتنی کلّ ذلک اکمال لأنعمک علیّ و احسانک الیّ»

۱. انبیاء، ۶۷

۲. انبیاء، ۵۷

۳. مقتل الحسین خوارزمی ۱۸۲/۱

۴. صافات ۱۰۳-۱۰۶

۵. شعراء، ۷۸-۸۰

فسبحانک سبحانک من مبدیء حمید مجید تقدست اسماؤک و
عظمت الاؤک...».

۷- حضرت ابراهیم اسوه کمالات بود. (قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

فِي إِبْرَاهِيمَ).^۱

۸- حضرت ابراهیم دوست خدا بود. (وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا).^۲

امام حسین علیه السلام نیز اسوه کمالات و محبوب خداوند بود.

۹- حضرت ابراهیم علیه السلام از سرزمین بابل به اتفاق لوط علیه السلام و
همسرش ساره به سرزمین شام هجرت کرد. (فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي
مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي).^۳

امام حسین علیه السلام نیز با اهل بیت خویش از مدینه به کربلا هجرت
کرد.

۱۰- حضرت ابراهیم علیه السلام دارای قلب سلیم بود. (وَ إِنِّ مِّنْ شَيْعَتِهِ

لِإِبْرَاهِيمَ * إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ).^۴

امام حسین علیه السلام نیز دارای قلب سلیم بود از این رو به غیر از رضای
حق به هیچ چیز فکر نکرد و همه چیز را در راه خدا تقدیم کرد.

«ترکت الخلق طراً فی هوا کا و ایتمت العیال لکی اراکا

لان قطعنی فی الحبّ ارباً لما حنّ الفؤاد الی سواکا»

۱. منته ۴

۲. نساء ۱۲۵

۳. عنکبرت ۲۶

۴. صفات ۲۳ الی ۸۴

۱۱- حضرت ابراهیم خاضعانه مطیع خداوند بود (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ).^۱

امام حسین علیه السلام نیز واجد این خصوصیت بود.

۱۲- حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش افروزی نمروودیان نترسید و به خداوند توکل کرد و از فرشتگان کمک نخواست فرمود: «علمه بحالی حسبی من سؤالی».^۲

امام حسین علیه السلام نیز از آتش افروزی یزیدیان نترسید و به خداوند توکل کرد و از فرشتگان کمک نخواست و فرمود: «انت ثقتی فی کل کرب».^۳

۱۳- حضرت ابراهیم بسیار مؤدب بود از این رو وقتی نعمت خلقت، هدایت و اطعام را بیان می کند به خداوند نسبت می دهد لکن مریض شدن را به خود نسبت می دهد. (وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ).^۴
امام حسین علیه السلام نیز بسیار مؤدب بود از این رو تا امام حسن علیه السلام زنده بود سخن نگفت. (ما تكلم بين يدي الحسن اعظماً له).^۵

۱۴- حضرت ابراهیم حامد و شکرگزار خداوند بود. (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ).^۶

۱. نعل ۱۴۰.

۲. بحار ۱۴/۲۴۲.

۳. بحار ۲/۲۵.

۴. شعراء ۸۰.

۵. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ص ۶۹۰.

۶. ابراهیم ۳۹.

امام حسین علیه السلام نیز حامد و شکر گزار خداوند بود. «الحمد لله الذي خلق الدنيا فجعلها دار فناء و زوال متصرفه باهلها حالاً بعد حال»^۱

۱۵- فرزند ابراهیم علیه السلام از مرگ ترس نداشت از این رو اسماعیل گفت: (يَا أَبَتِ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ)^۲
فرزند امام حسین علیه السلام علی اکبر علیه السلام نیز فرمود: مرگ نزد من شیرین تر از عسل است. «احلى من العسل».

۱۶- خداوند نبوت را از نسل ابراهیم علیه السلام قرار داد و امامت را از نسل امام حسین علیه السلام.

۱۷- حضرت ابراهیم علیه السلام از شرک بیزاری جست و قهرمان توحید بود.

(قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ * إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ)^۳

امام حسین علیه السلام نیز واجد این فضیلت بود.

۱۸- ضرت ابراهیم علیه السلام شاکر نعمت‌های خدا و برگزیده الهی بود.

(شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتِبَاءً وَ هِدَاةً إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)^۴

امام حسین علیه السلام شاکر نعمت‌های الهی بود.

۱. بحار ۵/۲۵

۲. صفات ۱۰۲

۳. انعام ۷۸-۷۹

۴. نحل ۱۲۱

۴. امام حسین علیه السلام وارث حضرت موسی علیه السلام

۱- حضرت موسی علیه السلام برای هدایت فرعون به سوی او حرکت کرد
(اذْهَبْ إِلَيَّ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى).^۱

و با فرعون سخن گفت که شاید هدایت شود. (فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا
لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى).^۲

امام حسین علیه السلام نیز برای هدایت یزید و اطرافیان او حرکت کرد.
«وَأَمَّا خُرُوجُ لَطْفِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي».^۳

۲- حضرت موسی شبانه حرکت کرد.
(فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ).^۴
امام حسین نیز شبانه از مدینه حرکت کرد و همین آیه را تلاوت
کرد.

۳- حضرت موسی علیه السلام در پیشگاه خداند اقرار به فقر خود کرد.
(رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ).^۵
امام حسین علیه السلام نیز در محضر خداوند اعتراف به فقر خویش
می‌کند. «اللّٰهُمَّ إِنَّا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي».^۶

۱. نازعات ۱۷

۲. طه ۴۴

۳. فرهنگ سخنان امام حسین (ع) ۳۴۴

۴. قصص ۲۱

۵. قصص ۲۴

۶. بحار ۲۲۵/۱۸

۴- حضرت موسی برادرش هارون وزیر و کمک کار وی بود.
(سَنَسُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ)¹.

(وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي)².

حضرت ابوالفضل نیز کمک کار و بازوی محکم امام حسین علیه السلام بود. امام حسین علیه السلام به او فرمود: «انت صاحب لوائی و اذا مضیت تفرق عسکری»³.

۵- حضرت موسی مورد آزمون خداوند واقع شد. (وَفْتَنَّاكَ فُتُونًا)⁴
امام حسین علیه السلام نیز مورد آزمون خداوند واقع شد.

۶- حضرت موسی نزد خداوند آبرومند بود. (كَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا)⁵.
امام حسین علیه السلام نیز در نزد خداوند آبرومند است. «يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ»⁶.

۷- قوم موسی با اینکه حضرت موسی را می شناختند او را اذیت و آزار دادند.

(يَا قَوْمِ لِمَ تَوذُّونَنِي وَكَدَّ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ)⁷.

۱. قصص ۳۵

۲. طه ۲۹-۳۱

۳. بحار ۴۱/۴۵

۴. طه ۴۰

۵. احزاب ۶۹

۶. دعای توسل

۷. صف ۵

مسلمان نماها امام حسین علیه السلام را می شناختند، از این رو حضرت فرمود شما که جد و جده و پدر و مادر مرا می شناسید، به چه حقی خون مرا حلال کردید؟ «فبِمَ تَسْتَحِلُّونَ دَمِي»^۱.

۸- مخالفان موسی علیه السلام به پیروزی دست نیافتند. (لَا يُلْحِقُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى).^۲

مخالفان امام حسین علیه السلام نیز به هدف شوم خود که خاموش کردن نور الهی بود دست نیافتند.

۹- یاران موسی علیه السلام به فرعون گفتند هر کاری می خواهی انجام بده (فَأَقْضِي مَا أَنْتَ قَاضٍ).^۳

شب عاشورا یاران امام حسین علیه السلام اعلام وفاداری کردند که اگر چندین بار به دست دشمنان اسلام شهید شوند و زنده شوند، دست از یاری امام بر ندارند.

۱۰- خواهر حضرت موسی پیام رسان بود. (هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ)^۴ خواهر امام حسین علیه السلام، حضرت زینب علیه السلام نیز پیام رسان بود.

۱۱- حضرت موسی بنده مخلص بود. (وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا).^۵

امام حسین علیه السلام نیز بنده مخلص خدا بود.

۱. لهور ص ۲۸

۲. طه ۶۹

۳. طه ۷۲

۴. طه ۴۰

۵. مریم ۵۱

۱۲ - حضرت موسی علیه السلام کلیم خدا و بنده مقرب او بود.

(وَ كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا)¹.

(وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرْنَاهُ نَجِيًّا)².

امام حسین علیه السلام نیز واجد این دو خصوصیت بود.

۱۳ - حضرت موسی علیه السلام قوم خود را امر به صبر کرد.

(قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)³.

امام حسین علیه السلام نیز به اصحابش فرمود در راه خدا صبر کنید.

«صبراً يا بني الكرام فما الموت الا قنطرة تعبر بكم»⁴.

۱۴ - یاران حضرت موسی علیه السلام اندک بودند.

(وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ)⁵.

(فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ)⁶.

یاران امام حسین علیه السلام نیز اندک بودند.

۱۵ - یاران حضرت موسی علیه السلام به خداوند توکل کردند. وقتی

موسی علیه السلام به آنها فرمود (وَ قَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ

فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ * فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا...)⁷.

۱. نساء، ۱۶۲

۲. مریم، ۵۲

۳. اعراف، ۱۷۸

۴. معانی الاخبار، ۲۸۸

۵. اعراف، ۱۵۹

۶. یونس، ۸۳

۷. یونس، ۸۲-۸۵



یاران امام حسین علیه السلام نیز مانند خود امام به خداوند توکل کردند.
 ۱۶ - حضرت موسی علیه السلام پشتیبان مجرم نبودند و به مبارزه با مجرم (فرعون) قیام کردند.

(قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهيراً لِّلْمُجْرِمِينَ).^۱

امام حسین علیه السلام نیز پشتیبان مجرم نبودند و به مبارزه با مجرم (یزید) قیام کردند.

۱۷ - حضرت موسی علیه السلام برنامه‌اش را به خداوند واگذار کرد.

(وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ).^۲

امام حسین علیه السلام نیز به خداوند توکل کرد و برنامه‌اش را به او واگذار کرد.

۵. امام حسین علیه السلام وارث حضرت عیسی علیه السلام

۱- مادر عیسی علیه السلام صدیقه بود. (وَأُمُّ صَدِيقَةٍ)^۱.

مادر امام حسین علیه السلام نیز صدیقه بود. وقتی از امام صادق علیه السلام پرسیدند چرا حضرت علی علیه السلام حضرت فاطمه علیه السلام را غسل داد، فرمود: «لأنها صدیقه و لا یغسلها إلا صدیق».

و به تعبیر دیگر مادر حضرت عیسی علیه السلام (مریم) و مادر امام حسین علیه السلام (فاطمه زهرا علیهما السلام) از عصمت و طهارت نفس برخوردار بودند. قرآن کریم می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)^۲. آیه شریفه گرچه درباره حضرت مریم است، لکن شامل حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام نیز می‌شود.

۲- حضرت عیسی (عبدالله) بود (إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابُ)؟

امام حسین علیه السلام نیز بنده خاص خداوند بود.

۳- حضرت عیسی علیه السلام وجودش مبارک بود (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ

مَا كُنْتُ)^۳.

امام حسین علیه السلام نیز وجودش مبارک بود و قیام او برکات فراوانی برای جامعه اسلامی داشته است.

۱. مانند ۷۵

۲. آل عمران ۴۲

۳. مریم ۲۰

۴. مریم ۲۱

۳- حضرت عیسی علیه السلام مریض را شفا می داد. (وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ)¹.

امام حسین علیه السلام به عیادت مریض تب دار رفتند چون وارد منزل او شدند تب مریض از بین رفت. آن شخص گفت حسین جان خشنودم از این کرامت که به شما خاندان نبوت داده شده است که تب از شما می گریزد.

حضرت فرمود: سوگند به خداوند که هیچ چیزی را خداوند نیافریده جز آنکه مطیع فرمان ما است «و الله ما خلق الله شیئاً الا و قد امره بالطاعة لنا»².

۵- حضرت عیسی مرده زنده می کرد. (وَ أَحْيَى الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ)³.

در روایت است جوانی گریبان خدمت امام حسین علیه السلام رسید و گفت مادرم از دنیا رفته و وصیتی در باره اموالش نکرده است امام حسین علیه السلام به منزل او رفتند و به اذن الهی او را زنده ساخت آن مادر گفت یابن رسول الله! یک سوم اموالم از شما باشد و دو سوم برای فرزندم و اگر پسرم یار و یاور شماست چه بهتر و آلا آن اموال نیز از شما باشد سپس از امام درخواست کرد بعد از مردنش بر او نماز بخواند و تجهیز بعد از مرگش را عهده دار شود، سپس از دنیا رفت.⁴

۱. آل عمران ۴۹

۲. فرهنگ سخنان امام حسین ص ۷۱۱

۳. آل عمران ۴۹

۴. بهار ۴۴/۱۸۰-۱۸۱

۶- حضرت عیسی هنگامی که احساس کفر از مردم نمود فرمود یاران من برای حمایت از دین خدا چه کسانی اند.

(فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ
الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ).^۱

امام حسین نیز در روز عاشورا فرمود: «أفلا ناصر ينصرني».^۲

۷- حضرت عیسی آبرومند و مقرب درگاه الهی بود.
(إِنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِكَلِمَةِ مَنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ).^۳

امام حسین علیه السلام نیز واجد این دو خصوصیت است.

۱. آل عمران ۵۲

۲. بهار ۴۲/۲۶۴

۳. آل عمران ۴۵

۶. امام حسین علیه السلام وارث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حریص بر هدایت مردم بود (عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَاعَتَبْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ).^۱

امام حسین علیه السلام نیز حریص بر هدایت مردم بود از این رو برای هدایت برخی به سراغ آنها رفت. برخی مانند زهیر دعوت امام را اجابت کردند و برخی مانند عبید الله حرّ جعفری اجابت نکردند.

۲- پیامبر دارای اخلاق عظیم بود (إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ).^۲
در روایت است غلام امام حسین کاری را مرتکب شد که استحقاق عقوبت داشت حضرت می‌خواستند او را تنبیه کنند آیه شریفه (وَ الْكَاطِمِينَ الْفَيْظَ وَالْعَاقِبِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)^۳ را تلاوت کرد حضرت او را بخشیدند و فرمود از این به بعد دو برابر به تو حقوق می‌دهیم «و لك ضعف ما اعطيك».^۴

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای شرح صدر بود (أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرِي).^۵

۱. توبه ۱۲۸

۲. قلم ۴

۳. آل عمران ۱۳۴

۴. بقره ۱۹۵/۲۴

۵. شرح ۱

امام حسین علیه السلام نیز شرح صدر داشت از این رو نه تنها به دشمن (سپاه حر) بلکه به اسبان آنها نیز دستور داد آب بدهند و به شخصی که دیر رسیده بود خود آن حضرت آب داد.

۴- پیامبر اکرم تسبیح گوی حق بود. (سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى).^۱

امام حسین علیه السلام نیز مستبح خداوند بود.

«سبحان الرفیع الاعلیٰ سبحان العظیم الاعظم.... سبحان من قضی

الموت علی العباد . سبحان الملک المقدر سبحان الملک القدوس

سبحان الباقی الدائم».^۲

۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارای عزت بود. (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ

لِلْمُؤْمِنِينَ).^۳

امام حسین علیه السلام نیز دارای عزت بود. «هیئات منّا الذله».^۴

۶- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دارای عفو و بخشش بود (خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ

بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ).^۵

عصاربن مصطلق می گوید وارد مدینه شدم در حضور امام

حسین علیه السلام دشنام به امیرالمؤمنین علیه السلام دادم، آن حضرت آیه شریفه

فوق را تلاوت کردند.

۱. اعلیٰ ۱

۲. بکار ۲۰۶/۹۴

۳. منافقون ۸

۴. لهورف ۱۵۶

۵. اعراف ۱۹۹

بعد فرمودند اگر از ما کمک می‌خواهی به تو کمک می‌کنیم اگر
مهربانی می‌خواهی به تو مهربانی می‌کنیم اگر هدایت می‌طلبی تو را
ارشاد می‌کنیم.

«آنک لو استعنتنا لا عناک و لو استرفدتنا لرفدناک و لو استرشدتنا
لا رشدناک».

عصار گوید با این برخورد امام حسین علیه السلام پشیمان شدم. آیه
شریفه (قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ)^۱
را تلاوت کرد و مرا بخشید بعد فرمود آیا تو از اهل شام هستی. امن
اهل الشام انت؟^۲

۷- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معلم انسان‌ها و مزکی نفوس آنان بود.
(لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا
عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ).^۳

امام حسین علیه السلام نیز قیام کرد و خون قلب خود را به همین منظور
ایثار کرد.

«و بذل مهجته ليستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة».^۴

۱. یوسف ۹۲

۲. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام ۲۹۳

۳. آل عمران ۱۶۲

۴. زیارت اربعین

۸- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای جود و کرم بود، لذا خطاب رسید (لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا)¹.

امام حسین علیه السلام به مرد عربی که اظهار نیازمندی کرد چهار هزار دینار مرحمت کرد. بعد مرد عرب گریه کرد، حضرت فرمود گویا عطای ما را کم شمردی؟ «لعلک استقلت ما اعطیناک؟» مرد عرب گفت گریهام برای آن است که چگونه این دست با کرامت در زیر زمین دفن می‌شود. «و لکن کیف یأکل التراب جودک»².

۹- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مرگ نمی‌ترسید از این رو به او خطاب شد «لا تکلف الا نفسک». حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کنا اذا احمرّ البأس اتقینا برسول الله»³.

امام حسین علیه السلام نیز از مرگ نترسید و شهادت در راه خداوند را سعادت می‌دانست.

«و انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاة مع الظالمین الا برماً»⁴.

۱۰- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. (يَا مَرْهَمُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ)⁵.

امام حسین علیه السلام فرمود: «ارید ان آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر»⁶.

۱. اسراء، ۲۹.

۲. بقره، ۴۴/۱۹۰.

۳. بقره، ۱۶/۱۱۶.

۴. بقره، ۴۴/۱۹۲.

۵. اعراف، ۱۵۷.

۶. بقره، ۴۴/۳۲۹.

۱۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گوی همه کمالات انسانی بود. (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ).^۱

امام حسین علیه السلام نیز در تمام اوصاف انسانی و اخلاقی الکویبی برای بشریت است.

۱۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کفار و منافقان اطاعت نکرد. (لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ).^۲

امام حسین علیه السلام نیز از کفار و منافقین اطاعت نکرد و بیعت با آنان را نپذیرفت.

۱۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را از خرافات رها ساخت. (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ).^۳

امام حسین علیه السلام نیز با قیامش مردم را از خرافات رها ساخت و فرمود: «أَنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتَ وَ السَّنَةَ قَدْ أَمَيْتَ».

۱۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه بزرگواری به خرج داد و مخالفان را بخشید و سخن حضرت یوسف علیه السلام را یادآور شد: (لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمُ النَّيْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ).^۴

امام حسین علیه السلام نیز شب عاشورا بزرگواری به خرج داد. وقتی شمر امان نامه آورده بود، کسی پاسخ او را نداد، حضرت فرمود: اگر چه

۱. احزاب ۲۱

۲. احزاب ۱

۳. اعراف ۱۵۷

۴. یوسف ۹۲

فاسق است، پاسخش را بدهید. «اجیبوه و ان کان فاسقاً فانه بعض احوالکم»^۱

۱۵- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مقام ولایت دفاع کرد.

در روایت است که در یکی از جنگها شخصی لباسها و غنائم را میان مردم توزیع کرده بود حضرت علی علیه السلام همه آنها را تحویل گرفت و فرمود چرا پیش از آنکه خدمت پیامبر برسی لباسهای غنیمتی را تقسیم کردی. مردم از حضرت علی نزد پیامبر شکایت کردند حضرت فرمود: از علی شکایت نکنید او در راه خدا باصلاحت است.

«ارفعوا الستکم عن علی بن ابی طالب فانه خشن فی ذات الله غیر

مداهن فی دینه»^۲

امام حسین علیه السلام نیز از مقام ولایت دفاع کرد. همین که شنید مروان فرماندار مدینه در مسجد به حضرت علی علیه السلام هانت کرده، فوراً به مسجد آمد و مروان را بسیار سرزنش کرد و فرمود آیه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا)^۳ درباره حضرت علی علیه السلام و شیعیان اوست و آیه (فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا)^۴ که انذار درباره افراد عنود و لج باز است، درباره تو و پیروانت می باشد.

۱. لهورف ۸۷

۲. بهار ۲۱/۳۸۵

۳. مریم ۹۶

۴. مریم ۹۷

۱۶- برخی از اصحاب پیامبر اکرم آن حضرت را در جنگها تنها نگذاشتند. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ).^۱

جالب اینکه اصحاب امام حسین علیه السلام همگی در جنگ شرکت کردند و امام فرمود اصحابی باوقاتر از اصحاب خودم ندیدم.

۱۷ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم متواضع بود (وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ).^۲

امام نیز متواضع بود. وقتی میان امام حسین علیه السلام و برادرش محمد حنفیه نزاعی پیش آمد؛ محمد نامه‌ای به او نوشت و در نامه خود آورد: ای برادر! پدر من و تو علی است، پس از این جهت بر یکدیگر فضیلتی نداریم، اما مادر تو فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و اگر سراسر زمین پر از طلا باشد و از آن مادر من شود، هرگز با مادر تو برابری نمی‌کند.

وقتی نامه مرا خواندی نزد من بیا تا مرا راضی گردانی که تو به فضل و برتری شایسته‌تری. و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

امام حسین علیه السلام پس از خواندن نامه محمد حنفیه با کمال تواضع برخاست و با همه برتری‌هایی که نسبت به او داشت نزد برادرش محمد رفت و از آن پس کدورتی بین آنها پیش نیامد.^۳

۱. نور ۶۲

۲. شماره ۲۱۵

۳. بحارالانوار ۱۹۱/۴۴

هم‌چنین روزی حسین بن علی علیه السلام از کنار مساکین عبور می‌کرد که دید پلاسی پهن کرده و تکه نانی بر آن گذارده‌اند و تناول می‌کنند. حضرت به آنها سلام کرد و ایشان جواب سلام او را دادند و دعوت کردند تا با آنها هم‌غذا شود. امام علیه السلام در کنار آنها نشست و فرمود: اگر غذای شما صدقه نبود با شما هم‌غذا می‌شدم. آنگاه فرمود: شما هم به منزل من بیایید، فقرا به منزل ایشان رفتند و حضرت به آنها غذا و لباس داد و دستور داد مبلغی پول به آنها داده شود.^۱

۱۸ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شجاعت بود، از این‌رو در بسیاری از جنگ‌ها شرکت کرد.

امام حسین علیه السلام نیز شجاع بود، از این‌رو اصحابش به یکدیگر می‌گفتند: بنگرید حسین بن علی را که از مرگ باکی ندارد «انظروا لا یبالی بالموت».^۲

۷. امام حسین علیه السلام وارث صبر پیامبران

- ۱ - صبر پیامبران در برابر شدائد؛
 (وَكَأَيِّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ).^۱
- ۲ - صبر پیامبران اولوالعزم؛
 (فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ).^۲
- ۳ - صبر پیامبران پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛
 (وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كَذَّبُوا).^۳
- ۴ - صبر حضرت نوح و حضرت هود و حضرت صالح و انبیاء دیگر؛
 (أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبْوُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ ... * ... وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا).^۴

۱. آل عمران ۱۴۶

۲. احقاف ۲۵

۳. انعام ۳۴

۴. ابراهیم ۸-۱۲

۵ - صبر حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام؛
 (...يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا
 أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ)¹.

حضرت ابراهیم در اطاعت الهی صبر کرد و حضرت اسماعیل نیز
 در کشته شدن راه خدا صبر کرد.

۶ - صبر ایوب علیه السلام؛

(إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ)².

۷ - صبر یعقوب علیه السلام؛

(قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلًا)³.

۸ - صبر اسماعیل و ادريس و ذالكفل؛

(وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ)⁴.

۹ - صبر حضرت موسی علیه السلام؛

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

وَذَكَرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ)⁵.

۱۰ - صبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛

(فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا)⁶.

۱. صفات ۱۰۲

۲. ص ۴۴

۳. برسب ۱۸

۴. انبیاء ۸۵

۵. ابراهیم ۵

۶. معارج ۵

(وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا) ١
 (فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ
 مَكْظُومٌ) ٢

امام حسین علیه السلام وارث صبر همه پیامبران است، از این رو به
 اصحابش فرمود: «صبراً یا بنی الکرام فما الموت الا قنطرة تعبر بکم
 عن البؤس و الضراء الى الجنان الواسعة و النعيم الدائمة فأیکم یکره
 أن ینتقل من سجن الی قصر...» ٢

١. مزمل ١٠

٢. قلم ٤٨

٣. معانی الاخبار ٢٨٨

۸. امام حسین ؑ وارث توکل پیامبران

۱ - توکل حضرت نوح و هود و صالح
(قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ... * وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ
عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا...)^۱

۲ - توکل حضرت نوح
(وَأَنْزَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي
وَتَذْكُرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ...)^۱

۳ - توکل حضرت هود
(قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ ... * إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ
رَبِّكُمْ...)^۲

۴ - توکل حضرت شعيب
(قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ... * وَ مَا
تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ...)^۲

۱. ابراهيم ۱۱-۱۲

۲. یونس ۷۱

۳. هود ۵۳-۵۶

۴. هود ۸۷-۸۸

۵ - توکل حضرت یعقوب

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِن أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ...
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ^۱.

۶ - توکل حضرت ابراهیم علیه السلام و قوم او

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ ... رَبَّنَا عَلَيْنِكَ
تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ^۲.

۷ - توکل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا^۳.

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ^۴.

قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابُ^۵.

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ^۶.

امام حسین علیه السلام وارث توکل پیامبران بزرگوار است، از این رو تنها
تکیه گاهش خداوند بود و تمام کارهای خویش را به او واگذار کرد و
فرمود: «انت تقنی فی کلّ کرب».

۱. یوسف ۶۷

۲. متحنه ۴

۳. ملک ۲۹

۴. شوری ۱۰

۵. رعد ۳۰

۶. توبه ۱۲۹

۹. شباهت‌های امام حسین علیه السلام به حضرت یحیی علیه السلام

۱ - هردو مورد بشارت خداوند هستند؛

در قرآن کریم آمده است که خداوند در پاسخ به درخواست زکریا که خواهان فرزندی بود که وارث او گردد، فرمود (يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ)¹.

(أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا
مِنَ الصَّالِحِينَ)².

در روایتی از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام آمده است که خداوند فرمود: «... وَ بَشْرُهُ بِأَنَّهُ رَايَةُ الْهُدَى...»: ای پیامبر به او بشارت بده که ایشان پرچم و علامت و نشانه هدایت است.

۲ - هردو در شش ماهگی متولد شدند؛

در روایتی از امام زمان علیه السلام نقل شده است: «كَانَ حَمَلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ حَمَلُ الْحُسَيْنِ كَذَلِكَ»: یحیای پیامبر علیه السلام بیش از شش ماه در رحم مادر نبود، درست مانند حسین بن علی علیه السلام.

۳ - نام هردو منحصر به فرد بود؛

(يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا).^۱
 (انتخاب نام یحیی برای فرزند زکریا) نامی است که پیش از آن نبوده است.

راوی می گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «الحسین بنُ علی لم یکن له من قبلُ سَمِيًّا»: پیش از حسین بن علی علیه السلام کسی دارای این نام نبوده است.

۴ - آسمان در سوگ آن دو گریست؛

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمْ تَبْكِ السَّمَاءُ إِلَّا عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا»: آسمان فقط در سوگ دو نفر گریست، امام حسین و یحیی بن زکریا.^۲

۵ - هردو شهید در راه امر به معروف بودند؛

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِنَّ فِي النَّارِ لَمَنْزِلَةً لَمْ يَكُنْ يَسْتَحِقُّهَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَاتِلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا»: در جهنم منزلی است که مستحق آن نیست احدی، مگر قاتل حسین بن علی و قاتل یحیی بن زکریا.^۳

۱. مریم ۷

۲. کامل الزیارات ۹۰

۳. کامل الزیارات ۷۸

۱۰. شباهت‌های امام حسین علیه السلام به قرآن کریم

۱ - قرآن حجت خداوند بر مردم است؛
 «فالقُرآن حجة الله على خلقه». امام حسین علیه السلام نیز حجت خداوند
 است «السَّلام عليك يا حجة الله على خلقه».
 ۲ - تلاوت قرآن و نگاه به آن عبادت است؛ «النَّظَر الى المصحف
 عبادة».^۱

گریه بر مظلومیت امام حسین علیه السلام عبادت است.
 ۳ - زیارت امام حسین علیه السلام باید با حزن و اندوه باشد «فرزه و انت
 حزين».^۲

تلاوت قرآن نیز باید با حزن و اندوه باشد «فاقرؤه بحزن».
 ۴ - قرآن مایه شفا است؛ (وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ
 رَحْمَةٌ).^۳
 «الشِّفاء في ترتبه».^۴

۱. مستدرک ۲/۲۶۸

۲. کافی ۴/۵۸۷

۳. اسراء ۸۲

۴. وسائل الشیعه ۱۴/۲۲۳

- ۵ - قرآن کتاب عزیز است؛ (إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ).^۱ امام حسین علیه السلام نیز دارای عزت است «هیهات منا الذلّة».^۲
- ۶ - هردو مایه هدایت بشریت است؛ (هُدًى لِّلنَّاسِ).^۳ (هدی للمتّقین).^۴
- «انّ الحسین مصباح الهدی و سفینه النّجاة».
- ۷ - هر دو نور حق هستند «کتاباً نوراً لا تطفأ». «كنت نوراً لا تطفأ».
- ۸ - هردو شفاعت می کنند «اذا التبتست علیکم الفتن فعلیکم بالقرآن فانه شافع مشفع».^۵
- «اللهم ارزقنا شفاعه الحسین علیه السلام».
- ۹ - در روایت است که قرآن سید الکلام است. امام حسین علیه السلام سید الشهداء است.
- ۱۰ - قرآن به عظمت توصیف شده است (و القرآن العظیم)؛ آن حضرت نیز دارای عظمت است «عظیم السوابق».

۱. فصلت ۴۱

۲. لهورف ۹۷

۳. بقره ۱۸۵

۴. بقره ۲

۵. کافی ۵۹۸/۲

۶. حجر ۸۷

۱۱ - قرآن پرچم نجات است «علم النّجاة». امام حسین علیه السلام نیز پرچم نجات است «انه رأية الهدى».

۱۲ - هیچکدام از بین نمی‌روند و برای همیشه باقی خواهند ماند. «لَمْ يَجْعَلْهُ لِمَازِنِ دُونَ زَمَانٍ وَ لَا لِإِنْسَانٍ دُونَ نَاسٍ فَهَوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ».^۱ درباره امام حسین علیه السلام نیز می‌خوانیم: «لَا يَدْرُسُ أَثَرَهُ وَ لَا يَعْفُو رَسْمُهُ».^۲

۱۳ - هردو به برکت توصیف شده‌اند (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ)^۳ «اللّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَتْلِهِ».

۱۴ - هردو منزّه از انحراف و اعوجاج هستند (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا).^۴ «لم تمل من حق السی باطل».

۱۵ - هردو به کرامت توصیف شده‌اند (انه لقرآن کریم)^۵ «و کریم الخلاق».

۱۶ - هردو بی‌ینه و دلیل آشکار هستند (فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ).^۶ «اشهد انک علی بیئنة من ربک».

۱. بحار ۲/ ۲۸۰

۲. بحار ۲۸/ ۵۵

۳. ص ۲۹

۴. کتف ۱

۵. واقعه ۷۷

۶. انعام ۱۵۷

۱۷ - تلاوت قرآن باید با تأنی و آرامش باشد (وَرَسُولِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلاً)¹. زیارت امام حسین علیه السلام را با گام‌های آهسته باید انجام داد «و امش بمشی العبد الذلیل».

۱۱. امام حسین علیه السلام و عمل به آیات قرآن کریم

امام حسین علیه السلام به دستورات قرآن کریم عمل کرد و برنامه‌های خویش را به آیات قرآن مستند ساخت؛

۱ - دعوت به سوی خدا؛

قرآن می‌فرماید: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)².

در زیارت‌نامه آن حضرت می‌خوانیم «و دَعَوْتُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ».

۲ - قرآن کریم به مردم گوید مبدا دنیا شما را فریب دهد (فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ)³.

۱. مزمل ۴

۲. نحل ۱۲۵

۳. فاطر ۵

امام حسین علیه السلام نیز به مردم فرمود: «فلا تفرّغوا هذه الحياة»^۱
 ۳- قرآن کریم می‌فرماید به ستمگران تکیه نکنید (وَلَا تَرْكُنُوا
 إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ)^۲.

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: حیات و زندگی با ظالمان را جز ننگ
 نمی‌بینم «أنى لا أرى الموت إلا سعادة و الحياة مع الظالمين إلا
 برماً»^۳.

۴- قرآن می‌فرماید امر به معروف و نهی از منکر کنید (وَلْتَكُنْ
 مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^۴.

امام حسین علیه السلام نیز قیامش بر اساس امر به معروف و نهی از منکر
 بود «أنا خرجت لطلب الاصلاح فى امة جدى اريد ان آمر بالمعروف
 و انهى عن المنكر»^۵.

۵- قرآن کریم می‌فرماید (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ)^۶
 امام حسین علیه السلام فرمود: اگر مرا در راه محبت خداوند قطعه‌قطعه
 کنند، قلبم به جز خداوند به جایی متوجه نخواهد شد:
 «لئن قطعتنى فى الحبّ أرباباً لما حنّ الفؤاد الى سواك».

۱. بهار ۲۰/۵

۲. هود ۱۱۳

۳. بهار ۲۴/۱۹۲

۴. آل عمران ۱۰۴

۵. بهار ۲۴/۳۲۹

۶. بقره ۱۶۵

۶- قرآن کریم می فرماید تمام انسان‌ها بلکه تمام موجودات از بین می‌روند (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَ يَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ)۱.

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «الحمد لله جعل الدنیا دار زوال و فناء»۲.

۷- قرآن می فرماید هر جا باشید مرگ به سراغ شما می‌آید (أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ)۳.

امام حسین علیه السلام نیز فرمود: «خط الموت علی ولد آدم مخط القلادة علی جید الفتاة».

۸- قرآن می فرماید اولیاء خدا از مرگ نمی‌ترسند، بلکه آن را آرزو می‌کنند (قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ)۴.

امام حسین علیه السلام نیز مرگ و شهادت در راه خدا را آرزو می‌کرد «و ما اولهنی بأسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف»۵.

۹- قرآن می فرماید از طاغوت دوری کنید (وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ)۶.

۱. الرحمن ۲۶-۲۷

۲. بحار ۴۵/۵

۳. نساء ۷۸

۴. جمعه ۶

۵. لهورف ۵۲

۶. نعل ۲۶

امام حسین علیه السلام نیز از طاغوت زمان دوری جست و با او بیعت نکرد و فرمود «و الله لا أعطيكم بيدي اعطاء الذليل و لا أفرُّ فراراً العبيد»^۱.

۱۰ - خداوند در قرآن می‌فرماید من گمراهان را کمک کار نگرفتم
(وَمَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا)^۲.

امام حسین علیه السلام نیز وقتی عبیدالله حرّ جعفی را به کمک طلبید، او گفت من اسب و شمشیر خود را می‌دهم.
حضرت فرمودند: «أنا لم نأتك لفرسك و سيفك إنما أتيناك للنصرة فإن كنت بخلت علينا في نفسك فلا حاجة لنا في شيء من مالك و لم أكن بالذی اتخذ المضلین عضداً»^۳.

۱. بهار ۱۹۱/۴۴

۲. کتف ۵۱

۳. مقتل الحسين خوارزمی

۱۲. امام حسین علیه السلام مصباح هدایت

امام حسین علیه السلام می فرماید بر پیامبر وارد شدم و آبی بن کعب نزد آن حضرت بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود آفرین بر تو ای ابا عبدالله، ای زینت آسمان‌ها و زمین. آبی پرسید مگر غیر از شما زینت برای آسمان و زمین وجود دارد؟

حضرت فرمود: سوگند به کسی که مرا به حق به نبوت مبعوث ساخته است، مقام و منزلت حسین بن علی در آسمان بزرگ‌تر از زمین است و در یمین عرش الهی این جمله نوشته شده است. «أنه مصباح هدی و سفینه نجاه»: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

تعبیر به مصباح

در روایات تعبیر به مصباح برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و سایر امامان معصوم علیهم السلام شده است چنانکه برای دعا نیز این تعبیر بیان شده است

۱- قال علی علیه السلام: «الدعاء مفتاح الرحمة ومصباح الظلمة».^۲

۱. بهار ۱۳۹۲/۱۸۲

۲. بهار ۱۳۹۳/۳۰۰

- ۲- در ذیل آیه (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ ...)^۱ روایت شده است «المصباح هو محمد».^۲
- ۳- در برخی از احادیث مصباح تفسیر به امام حسن و امام حسین شده است.
- ۴- امام صادق علیه السلام می فرماید: «نحن ائمة الهدى و مصابيح الدجى».^۳
- ۵- امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «أما وصيتي فإن لا تشرکوا شيئاً بالله جل ثناؤه شيئاً و محمداً فلا تضيعوا سنته اقيموا هذين العمودين و اوقدوا هذين المصباحين».^۴
- ۶- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «انّ علياً امام الهدى و مصباح الدجى».^۵
- مثال: در هر مؤسسه‌ای که وارد می‌شویم، نوعاً یک تابلویی زینت‌بخش آن مؤسسه است که تصویر یا نوشته در آن تابلو عشق و علاقه صاحب آن مؤسسه را بیان می‌کند. حال خداوند در عرش خود که مرکز علم و قدرت اوست، نام امام حسین علیه السلام و برنامه او را زینت بخش عرش خود قرار داده است.
- «و انه لمکتوب عن يمين العرش مصباح الهدى و سفينة النجاة».^۶

۱. نور ۳۵

۲. بهار ۲۳/۳۱۴

۳. بهار ۲۶/۲۴۸

۴. بهار ۴۲/۲۰۷

۵. بهار ۲۷/۱۱۳

۶. بهار ۹۴/۱۸۴

کار آیی مصباح

مصباح در چه زمانی مفید و سودمند است؟ در زمانی مصباح نورافشانی دارد که یک منزل یا محله و منطقه را تاریکی فراگرفته باشد.

در روز که خورشید نور افشانی می‌کند مصباح معنا و مفهومی ندارد از اینکه برای امام حسین علیه السلام این تعبیر انتخاب شده روشن می‌شود بعد از رحلت پیامبر اکرم تا آن زمان به تدریج تاریکی جهل و نادانی بر مردم عارض شده بود و غبار ظلمت بر چهره دین اسلام نشسته بود.

و متأسفانه بسیاری از احکام اسلام تعطیل شده بود و بدعت‌ها رواج پیدا کرده بود از این رو در زمان خلافت عمر نماز مستحبی را به جماعت می‌خواندند. وقتی حضرت علی علیه السلام فرمود نماز تراویح نخوانید، مردم جاهل صدا بلند کردند (وا عمراه) یا اینکه خلیفه دوم دو متعه حلال را تحریم کرد و گفت: متعتان محللتان فی عهد رسول الله و انا احرمهما.

یا اینکه در زمان حضرت علی علیه السلام کدو را برای خوردن سر می‌بریدند از حضرت سؤال شد آیا این کار درستی است فرمود کدو چیزی نیست تذکیه شود مبادا شیطان بر شما غالب شود

«انَّ عَلِيًّا سَأَلَ عَنِ الْقِرْعِ هَلْ يَذْبَحُ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ يَذْكِي فَكَلَّوْهُ وَ لَا

تَذْبَحُوهُ وَ لَا يَسْتَهْوِيَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ»^۱.

کار به جایی رسیده بود که برخی از اصحاب امیرالمؤمنین حقیقت بر آنها روشن نبود مانند حارث بن حوث که جنگ حضرت علی علیه السلام با اصحاب جمل در صفین را مورد تردید قرار داد حضرت فرمودند تو حق را نشناختی تا اهل آن را بشناسی.

«أنک لم تعرف الحق فتعرف اهله»^۱

چه اینکه ربیع ابن خثیم امتناع کرد از اینکه در جنگ با خوارج شرکت کند و گفت من با مسلمانان نمی‌جنگم از حضرت تقاضا کرد او را به جنگ با کفار بفرستد. «قد امر امیرالمؤمنین ربیع بن خثیم هذا با لجهاد مع الخوارج فابی و قال لا احارب المسلمین و استدعی ان یأمره بمحاربة الکفار و یرسله الی آذربایجان»^۲

علت بروز مشکلات در جامعه

نکته دیگر اینکه عمده مشکلات زندگی انسان‌ها از دو چیز است:

۱- جهل و نادانی ۲- غرور و تکبر.

توضیح اینکه برخی از افراد کاری را که از عهده آنها ساخته نیست به عهده می‌گیرند و خراب می‌کنند مثلاً جوانی موتور او خراب می‌شود باز می‌کند اما نمی‌تواند ببندد.

یا اینکه مسؤولیت جزئی در شهر دارد مقداری خدمت می‌کند و موفق است بتدریج گمان می‌کند مسؤولیت بالاتری را باید به عهده

۱. بحار ۲۲/۲۴۴

۲. سفینه ۳/۲۹۲

بگیرد که بتواند خدمت بیشتری بکند لکن این شخص بدرد بالاتر نمی‌خورد و نمی‌تواند مشکلات را حل کند تقصیر را به عهده مسئولین قبل از خود می‌اندازد حاضر نیست بپذیرد او نیز به درد این مسئولیت نمی‌خورد.

گاهی مشکلات بخاطر جهل نیست بلکه شخص علم دارد اما بخاطر غرورش درک ندارد از این‌رو می‌بینیم دختر و پسر جوان که هر دو لیسانس هستند بعد از مدت اندکی از ازدواج کار به طلاق کشیده می‌شود و منشأ جدایی عدم گذشت از یکدیگر بخاطر مسائل جزئی است.

این دو زوج جوان علم دارند اما درک ندارند بسیاری از افراد باسواد در زندگی «ای کاش» می‌گویند. ای کاش برای فلانی ضامن نشده بودم، ای کاش جنس خود را نسپه نمی‌فروختم، ای کاش فلان حرف را به بزرگتر از خود نمی‌زدم.

حال انسان چه جاهل باشد یا عالم و دانشمند، لکن مشکل پیدا کرده باشد، امام حسین علیه السلام هم مصباح هدایت است افراد جاهل را آگاه می‌کند هم سفینه نجات است افرادی که لغزش پیدا کردند آنها را نیز نجات می‌دهد.

کوتاه سخن اینکه سر اینکه امام حسین علیه السلام قیام کرد این بود که مشاهده کرد احکام اسلامی از بین رفته است و باید با مصباح بودن علم و عمل خود، جهان اسلام را روشن کند.

از این رو آن حضرت فرمود: «الا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشيطان و ترکوا اطاعة الرحمن و اظهرو الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفیء و اهلوا حرام الله و حرّموا حلال الله و انا احقّ بهذا الأمر»^۱.

این ظلمت و تاریکی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهان اسلام به وجود آمد و برخی از احکام اسلام تعطیل شد و بدعت‌ها به وجود آمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را پیش‌بینی می‌کرد، از این رو در سخنان خود منشأ آن را هوی و هوس بنی‌امیه معرفی کرد:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الا ان خوف الفتن علیکم فتنة بنی امیه انها فتنة عمیاء مظلمة»^۲.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «ان اخوف ما اخاف علیکم بعدی کل منافق علیم اللسان»^۳.

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «یا علی ان اصحاب موسی علیه السلام اتخذوا بعده عجلًا فخالقوا خلیفته و ستخذ امتی بعدی عجلًا ثم عجلًا ثم عجلًا»^۴.

۴- قال علی علیه السلام: «یستدل علی الادبار بأربع سوء التدبیر و قبح التبذیر و قلة الاعتبار و كثرة الاعتذار (الاغترار)»^۵.

۱. احقاق الحق ۱۱/۶۰۹.

۲. بحار ۲۳/۲۶۷.

۳. بحار ۲/۱۱۰.

۴. بحار ۲۸/۶۷.

۵. غرر الحکم ۱۰۹۵۸.

۱۳. آگاهی امام حسین علیه السلام از شهادت

آیا امام حسین علیه السلام از شهادت خود آگاهی داشت یا خیر؟ اگر آگاهی داشت چرا بر خلاف آیه شریفه (وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) عمل کرد؟

پاسخ: از روایات زیادی استفاده می‌شود که امام علیه السلام آگاه به شهادت خود بود مرحوم مجلسی در ج ۴۴ بحار باب ۳۰ چهل و شش روایت نقل کرده است که خداوند به انبیاء و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر شهادت امام حسین علیه السلام را داده است و در باب ۳۱ نیز ۲۵ روایت نقل کرده است بعلاوه از کلمات و خطبه‌های خود امام حسین علیه السلام نیز استفاده می‌شود که این حرکت آگاهانه بوده است:

۱- وقتی امام حسین علیه السلام تصمیم به حرکت از مدینه به سوی عراق گرفت برای وداع نزد قبر پیامبر رفت در حال سجده لحظه‌ای به خواب رفت «فنعس وهو ساجد فجاءه النبی وهوفی منامه فاخذ الحسین وضمه الی صدره وجعل یقبّل عینه ویقول بابی انت کأنی اراک مرملاً بدمک ... وان لسک فی الجنه درجات لا تنالها الا بالشهادة».^۱

۱. بقره ۱۹۵

۲. بحار ۴۴/۳۱۲

۲- «من كان باذلاً فينا مهجته وموطناً على لقاء الله نفسه فليرحل معنا».

۳- شب عاشورا فرمود: «يا اهلى و شيعتى اتخذوا هذا الليل جملاً لكم فاتهجوا بأنفسكم فليس المطلوب غيرى»^۱.

۴- «الحمد لله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله و صلى الله على رسوله و سلم خط الموت على ولد ادم مخط القلادة على جيد الفتاة و ما اولهنى الى اسلافى اشتياق يعقوب الى يوسف و خير لى مصرع انا لاقيه»^۲.

۵- «رضى الله رضانا اهل البيت نصبر على بلائه و يوفينا اجور الصابرين»^۳.

۶- اميرالمؤمنين علیه السلام فرمود «سلونى قبل ان تفقدونى». سعد وقاص پرسید موهای سروصورت من چند تاست؟ حضرت فرمود: پیامبر به من خبر داد این جریان را و در خانه تو فرزندی است که فرزند مرا می‌کشد. عمر سعد در آن زمان کودک بود. شیخ مفید، شیخ طبرسی، ابن قولویه و ابن بابویه این روایت را به سند معتبر نقل کرده‌اند.

۱. فرهنگ سخنان امام حسین (ع) ۱۶ - نفس المهرم ۲۳۰

۲. لهرف ۵۲

۳. بحار ۲۶۷/۴۴

۷- قال رسول الله لام سلمه «املكى علينا الباب لا يدخل علينا احد ف جاء الحسين عليه السلام ليدخل فمنعته فوثب حتى دخل فجعل يثب على منكبى رسول الله ... فقال له الملك اتجبه قال نعم قال فان امتك ستقتله وان شئت اريتك المكان الذى يقتل فيه»^۱

۸- در روایت دیگر آمده، ام سلمه گفت: «سل الله ان يدفع ذلك عنه قال قد فعلت فاوحى الله عزوجل الى ان له درجه لا ينالها احد من المخلوقين وان له شيعه يشفعون فيشفعون وان المهدي من ولده فطوبى لمن كان من اولياء الحسين وشيعته هم والله الفائزون يوم القيمة»^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید: حسین بن علی علیه السلام روزی در دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت با او بازی می کرد و می خندید. عایشه پرسید چه اندازه به این کودک محبت می ورزی؟ حضرت فرمود چگونه به او علاقه نداشته باشم و از او خوشم نیاید با اینکه میوه قلب و نور چشم من است، لکن امت من او را می کشند و هر کس حسینم را زیارت کند خداوند ثواب حج مرا به او می دهد، همینطور زیاد کردند تا اینکه فرمود ثواب حج مرا به زائر امام حسین علیه السلام می دهند.

۱. بحار ۴۴/۲۳۱

۲. بحار ۴۴/۲۲۵

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «كان الحسين بن علي ذات يوم في حجر النبي يلاعبه ويضاحكه. فقالت عايشة يا رسول الله ما اشدّ اعجابك بهذا الصبي فقال لها ويلك وكيف لا احبه ولا اعجب به وهو ثمرة فؤادي وقرّة عيني اما انّ امتي ستقتله فمن زاره بعد وفاته كتب الله له حجة من حججى ويزيد و يضعف حتى بلغ تسعين حجة من حجج رسول الله باعمارها»^۱.

پاسخ دیگر اینکه امام حسین علیه السلام مرگ را نابودی نمی‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِسُكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا)^۲. و علاوه امام جزء اولیاء خداوند است و از مرگ نمی‌ترسد و به آن عشق و علاقه دارد، قرآن کریم می‌فرماید: (قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ)^۳.

۱. بحار ۲۴/۲۶۰

۲. ملک ۲

۳. جمعه ۶

۱۴. ولادت عمومی و خصوصی امام حسین علیه السلام

قانون کلی جهان که تا به حال به آن یک استثناء نخورده و سنت قطعی خداوند است، قانون مرگ و انتقال از دنیا به عالم برزخ و بعد از آن انتقال به قیامت است.

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ). (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ). (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ). (أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ).

گرچه حضرت خضر علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام زنده هستند، اما آنها نیز یک روزی باید از دنیا بروند.

ممکن است انسان عمر طولانی کند مانند حضرت نوح علیه السلام که ۹۵۰ سال مدت رسالت او طول کشید (وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا)؛ اما نوح علیه السلام نیز از دنیا رفت. اگر بنا بود کسی در دنیا زنده بماند، بهترین انسان‌ها مانند پیامبران زنده می‌ماندند. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب شد (إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ)^۱ (وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ).^۲

جالب اینکه حضرت نوح در زمینه دنیا سخنی دارد، وقتی جبرئیل از او سؤال کرد دنیا را چگونه یافتی، فرمود مانند منزلی که دو درب دارد، از یکی وارد شدم و از دیگری خارج شدم.

۱. عنکبوت ۱۴

۲. زمر ۲۰

۳. انبیا، ۳۲

«انّ جبرئیل قال لنوح علیه السلام یا اطول الأنبياء عمراً کیف وجدت الدنیا؟ قال کدار لها بابان دخلت من أحدهما و خرجت من الآخر»^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید تمام کسانی که در دنیا زندگی می کنند مهمان هستند و آنچه در اختیارشان است عاریه می باشد. مهمان باید کوچ کند و عاریه باید برگردد «انّ من فی الدنیا ضیف و ما فی أیدیهم عاریة و انّ الضیف مرتحل و العاریة مردودة»^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید دنیا دار گذر است و آخرت خانه قرار «یا ایها الناس انما الدنیا دار مجاز و الآخرة دار قرار فخذوا من ممرکم لمقرکم»^۳

در بیانی دیگر می فرماید اهل دنیا مانند کاروان و قافله ای است که آنها را سیر می دهند، لکن در خواب غفلت هستند «اهل الدنیا کربک یسار بهم و هم نیام»^۴

امام حسین علیه السلام می فرماید:

۱. «فإن تكن الدنيا تعدّ نفیسة فدار ثواب الله اعلى و انبل».

۲. «و إن تكن الابدان للموت أنشأت فقتل امرء بالسیف فی الله

أفضل».

۱. بحار ۳۲۶/۷۱ - تنبیّه الخواطر ۱۳۰/۱

۲. بحار ۱۸۷/۷۷

۳. نهج البلاغه ج ۳ - ۲۰۳

۴. نهج البلاغه حکمت ۶۲

۳. «و إن تكن الارزاق قسماً مقدراً فقلة حرص المرء فى الرزق

اجمل».

۴. و إن تكن الأموال للترك جمعها فما بال متروك به الحر

بيخل»^۱.

بنابراین دنیا جایی نیست که انسان بخواهد برای همیشه بماند.

گر صد سال مانی وریکی روز ببايد رفت از این کاخ دل افروز
دلا تا کی در این کاخ مجازی کنی مانند طفلان خاک بازی

نکته بسیار مهمی که قابل توجه است این است که در این دنیا که دار فانی و زوال است، یک ولادت عمومی و یک مرگ عمومی وجود دارد و یک ولادت و مرگ خصوصی.

ولادت و مرگ عمومی مربوط به نوع انسانها است که در تاریخ مشخص به دنیا می آیند و بعد از مدتی از دنیا می روند.

ولادت و مرگ خصوصی مربوط به دانشمندان و نوابغ روزگار است. ولادت خصوصی دانشمندان روزی است که آراء و نظریات علمی آنها در مجامع علمی و فرهنگی مطرح می شود و مورد پذیرش قرار می گیرد. مرگ خصوصی آنها زمانی است که نظریه آنها رد می شود و نظریه دیگری جایگزین آن می شود.

شیخ طوسی، شیخ طبرسی، علامه حلی، علامه مجلسی، شهید اول، شهید ثانی، ابن فهد حلی، سیدبن طاووس، علامه بحرالعلوم، بوعلی سینا، فارابی، شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی، ملاصدرا، صاحب جواهر، امام امت و سایر دانشمندان که در عصر و زمان خود نمونه بودند، همه اینها جزء نوابغ اند.

اما امام حسین علیه السلام فوق نوابغ است و اصلاً این دانشمندان با همه عظمتی که دارند، به هیچ گونه قابل قیاس با امام معصوم نیستند. چنانکه در حدیث وارد شده «لا یقاس بنا احداً».

امام حسین علیه السلام با تمام فضائل و کمالاتی که دارد مانند عصمت و ولایت تکوینی و... دو تفاوت اساسی با نوابغ دارد:

- ۱ - ولادت عمومی و خصوصی امام حسین علیه السلام با هم بوده، یعنی از روزی که به دنیا آمد برکات وجودی او ظاهر شد. قضیه فطرس ملک که به برکت امام حسین علیه السلام شفا یافت، مؤید این معناست.
- ۲ - امام حسین علیه السلام مرگ خصوصی ندارد. یعنی تا دامنه قیامت روزی نمی شود که مکتب امام حسین علیه السلام پیرو و علاقه مند نداشته باشد.

تا روز قیامت هر جا سخن از عزت نفس، آزادی از هوی و هوس، آزادی از قید دیگران، شجاعت، کرامت، تقوا، اصلاح جامعه، مبارزه با ظلم و ستم هست، به برکت قیام امام حسین علیه السلام است.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

۱۵. فضیلت و ویژگی‌های امام حسین علیه السلام

خداوند متعال در نظام هستی گیاه را بر جماد و حیوان را بر گیاه و انسان را بر این امور سه‌گانه و غیر آن فضیلت بخشیده است، از این رو در قرآن کریم می‌فرماید تمام آنچه در زمین و آسمان است برای انسان خلق شده است.

(الَّذِينَ تَرَوُا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ)¹

(وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ)²

(وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ)³

(هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا)⁴

(اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ)⁵

از سوی دیگر برخی از انسان‌ها در مسائل دنیوی و رزق مادی بر یکدیگر فضیلت دارند و برخی از جهت معنوی بر یکدیگر فضیلت دارند.

قرآن کریم می‌فرماید: (وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ)⁶

۱. لقمان ۲۰

۲. نحل ۱۲

۳. ابراهیم ۳۲

۴. بقره ۲۹

۵. غافر ۷۹

۶. نحل ۷۱

و در آیه دیگر می فرماید: (وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا).^۱

علت اینکه برخی از لحاظ مادی بر بعضی فضیلت دارند به جهت آن است که خدمات متقابل داشته باشند و اگر همه انسان‌ها از جهت استعداد و فهم و درک یکسان بودند و همه در کنکور دانشگاه پذیرفته می شدند، دیگر کسی نانواپی نمی کرد و شغل‌های دیگر مانند عطاری و آهنگری و بنایی و ... به وجود نمی آمد. اولین قدم بدبختی و نابودی انسان‌ها بود.

فضیلت معنوی برخی بر دیگران مانند انبیاء بر مردم به جهت آن است که رسیدن فیض معنوی بدون واسطه ممکن نیست و هر انسانی قابلیت ندارد مستقیم به او وحی بشود.

(وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ).^۲

در زیارت جامعه می خوانیم: «بِکَمِ بَدَأَ اللهُ وَ بِکَمِ يَخْتَمُ بِکَمِ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ».

خداوند عالم را بر غیر عالم فضیلت بخشید (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ).^۳

۱. زخرف ۳۲

۲. نمل ۱۵

۳. مجادله ۱۱

عالم عامل نماز شب خوان را بر عالم غیر عامل فضیلت بخشید
 (أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ
 قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ).^۱

و مجاهد را بر غیر مجاهد فضیلت بخشید (وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ
 عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا).^۲

انبیاء و مرسلین نیز بر یکدیگر فضیلت دارند (وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ
 النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا).^۳

(تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ).^۴

برخی از امامان معصوم نیز مانند امام حسین علیه السلام بر برخی دیگر
 با اینکه در علم غیب و عصمت و طهارت نفس و قدرت تکوینی
 مشترک‌اند، فضیلت دارد.

از این رو به برخی از فضایل و ویژگی‌های امام حسین علیه السلام اشاره
 می‌کنیم:

ویژگی‌های امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی است که در دیگران
 نیست یا کمتر به چشم می‌خورد، مانند:

۱. زمر ۹

۲. نساء ۹۵

۳. اسراء ۵۵

۴. بقره ۲۵۳

۱. ۲. ۳. خداوند در برابر شهادت برای او سه چیز قرار داد: امامت از نسل اوست، شفا در تربت اوست و دعا نزد قبر او مستجاب است «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ مِنْ قَتْلِهِ: أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ مِنْ نَسَلِهِ وَ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدَّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ»^۱.

۴. همه انبیاء کربلا را زیارت کرده‌اند «ما نبیّ الاّ و قد زار کربلاء»^۲.
 ۵. مسافر می‌تواند در چهار مکان نماز خود را تمام بخواند: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام. امام صادق علیه السلام فرمود: «تَمَّ الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ علیه السلام»^۳.

۶. عشق به شهادت «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَيَّ وَ كُنْتُ آدَمَ مَخْطُومًا عَلَى جِدِّ الْفِتَاةِ وَ مَا أَوْلَهُنِي إِلَى أَسْلَافِي اِشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ»^۴: مرگ، بر فرزندان آدم نوشته شده و آنان را مانند گردن‌بند دختر جوان احاطه کرده و علاقه من به نیاکان خود، چون اشتیاق یعقوب به یوسف است.

۷. زیارت اربعین از مختصات امام حسین علیه السلام است.

۱. بحار ۴۴/۲۲۱

۲. بحار ۴۴/۳۰۱

۳. کامل‌الزیارات ۲۵۰

۴. لهرف ۵۲

درباره هیچ‌یک از انبیاء و اولیاء، زیارت اربعین وجود ندارد و بنا بر روایت امام عسکری علیه السلام، خواندن این زیارت یکی از نشانه‌های مؤمن است.^۱

۸. هیچ‌یک از اولیای الهی اصحابی باوفا تر از یاران امام حسین علیه السلام نداشتند. امام حسین علیه السلام فرمود: «فأني لا أعلم أصحاباً أوفى ولا خيراً من أصحابي».^۲

۹. هیچ مصیبتی در جهان خلقت بزرگ‌تر از مصیبت امام حسین علیه السلام نیست. جبرئیل به آدم علیه السلام عرضه داشت: «تصغر عندها المصائب».^۳

۱۰. تنها کسی که سلام کردن بر او هنگام آب نوشیدن سفارش شده است، امام حسین علیه السلام است.

۱۱. امام حسین علیه السلام تنها انسانی است که پیش از ولادت با مادرش و پس از شهادت نیز سر بریده‌اش سخن گفته و آیه قرآن تلاوت کرده است (أُمِّ حَسْبَيْتَ أَنْ أَصْحَابَ الْكُهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا).^۴

۱۲. قلوب اهل ایمان، کانون محبت امام حسین علیه السلام است «انّ للحمين في بواطن المؤمنين محبة مكنونة».^۵

۱۳. امام حسین علیه السلام تنها مولودی است که جبرئیل گهواره‌جنبان او بوده است. حضرت زهرا علیها السلام از خواب بیدار می‌شد و گهواره حسین

۱. بهار ۱۰۱/۱۰۶

۲. ارشاد مفید ۳۳۱

۳. بهار ۴۴/۲۴۵

۴. کهنه ۹

۵. بهار ۴۳/۲۷۲

- را در حال حرکت می‌دید، در حالی که کسی با او سخن می‌گوید. از پیامبر صلی الله علیه و آله سبب آن را پرسید، حضرت در پاسخ وی فرمود: گهواره جنبان و هم‌سخن با فرزند تو جبرئیل است.^۱
۱۴. امام حسین علیه السلام تنها نوزادی بود که از انگشتان پیامبر تغذیه می‌کرد.^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «حسین منی و انا من حسین».^۳
۱۵. تنها امامی که در معرکه جنگ به شهادت رسیدند. امیرالمؤمنین علیه السلام با اینکه در جوانی و پیری در ده‌ها جنگ شرکت داشتند و بارها مجروح شدند، در محراب به شهادت رسیدند.
۱۶. با اینکه همه ائمه شهید شدند، اما در دعای توسل فقط درباره امام حسین علیه السلام تعبیر «ایها الشهید» آمده است.
۱۷. تنها امامی که در زمان حیاتش پدر دو شهید شد.
۱۸. تنها امامی که قبر مطهرش بیش از ده بار توسط ظالمین تخریب شد تا اثری از آن باقی نماند.
۱۹. تنها امامی که بعد از شهادت سر از بدنش جدا شد.
۲۰. تنها امامی که بدون غسل و کفن دفن شد.
۲۱. تنها امامی که حتی تشییع مخفیانه هم نگردید.
۲۲. تنها امامی که با لب تشنه به شهادت رسید.
۲۳. تنها امامی که بعد از شهادت، خانواده‌اش اسیر شدند.

۱۶. امام حسین علیه السلام مظهر عزت الهی

عزت و ذلت

مطالب و نکات مختلفی از قرآن کریم پیرامون عزت و ذلت استفاده می‌شود که به پنج نکته آن اشاره می‌کنیم:

۱. عزت مخصوص خداوند است، چنانکه یکی از اوصاف او عزیز است (فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا)^۱ (وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ)^۲.

۲. خداوند هرکس را بخواهد عزیز یا ذلیل می‌کند.

(قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)^۳.

۳. راه عزت، ایمان و عمل صالح است.

(مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ

الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ)^۴.

۴. راه ذلت، بت‌پرستی و کفر به آیات الهی است.

۱. نساء، ۱۳۹

۲. شعرا، ۲۱۷

۳. آل عمران، ۲۶

۴. فاطر، ۱۰

(إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا).^۱

۵. معرفی کسانی که عزیزند و معرفی اشخاص ذلیل.

(وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ).^۲

(وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ).^۳

در روایات عوامل مختلفی برای رسیدن به عزت و عوامل مختلف دیگری برای ذلت بیان شده که جامع عوامل عزت، بندگی و اطاعت از خداوند و رعایت اصول اخلاقی است و جامع عوامل ذلت، عصیان و ظلم و ارتکاب رذایل اخلاقی است.

عوامل عزت

۱. تفوا؛ قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من أراد ان يكون اعز الناس فليتق الله».^۴

۲. بندگی خدا؛ قال علی علیه السلام: «الهی کفی بسی عزاً ان اكون لک

عبداً».^۵

۱. اعراف ۱۵۲

۲. منافقون ۸

۳. بقره ۶۱

۴. بحار ۲۸۵/۷۰

۵. بحار ۲۰۰/۷۷

۳. دوری از گناه؛ قال المجتبی علیه السلام: «من أراد عزاً بلا عشيرة و هیبة بلا سلطان و غنی بلا مال فلینتقل من ذلّ معصية الله الی عزّ طاعته»^۱.

۴. ترک طمع؛ قال الباقر علیه السلام: «الیأس ممّا فی أیدی الناس عزّ المؤمن فی دینه»^۲.

۵. خوش اخلاق بودن؛ قال علی علیه السلام: «ربّ عزیز اذّله خلقه و ذلیل اعزّه خلقه».

تذکر

برخی از افراد گمان می‌کنند همین که نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و از گناهانی مانند دروغ و غیبت دوری کردند و طمعی به مال مردم نداشتند، دارای عزت نفس هستند.

از حدیث فوق «ربّ عزیز اذّله خلقه» استفاده می‌شود که چه بسا فردی متدین باشد و مقید به حلال و حرام باشد و از این جهت دارای عزت باشد و لکن متأسفانه به جهت بداخلاق بودن و عصبی بودن، عزّت خود را پایمال کند.

یا اینکه افرادی هستند که کارهای مستحبی زیادی انجام می‌دهند، مثلاً نماز غفیله می‌خوانند، به هیأت‌های مذهبی می‌روند و لکن قلب آنان چنان از محبت و علاقه دنیا پر است که حاضر نیست

۱. غصال ۱۶۹

۲. کافی ۱۴۹/۲

به اقوام محتاج و همسایه نیازمندی کمک کند و چنین شخصی گمان می‌کند او نیز عزیز است با اینکه از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام عزیز کسی است که حاضر باشد از زخارف دنیا بگذرد و انفاق کند. «من سلا عن مواهب الدنیا عزّ»^۱.

عوامل ذلت

۱. اهانت کردن به اهل بیت علیهم السلام؛
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «اذلّ الله من اهان اهل البيت»^۲.
۲. تقاضای از مردم (در صورت بی‌نیازی)؛
- قال رسول الله صلی الله علیه و آله لأبی ذر: «ایاک و السؤال فإنه ذلّ حاضر»^۳.
۳. ستم کردن؛ «لا یحتمل الضیم الا الذلیل».
- قال الصادق علیه السلام: «ان الذلیل هو الظالم»^۴.
۴. مصاحبت کردن با افرادی که امور مادی انسان را تأمین کنند؛
- «اذا صحبت فاصحب نحوک و لا تصحب من یکفیک فإنّ ذلک مذلة للمؤمن»^۵.

۱. غرر ۱۱۲۳

۲. بهار ۱۴۵/۸۱

۳. بهار ۶۰/۷۷

۴. بهار ۲۰۳/۷۸

۵. مکارم الاخلاق ۱۳۱

تذکر:

اگر انسان همیشه با فرد متمکن مصاحبت کند که زندگی او را تأمین کند، طبعاً باید مطیع فرمان او باشد. اما اگر انسان مصاحبت و معاشرتش با افراد متمکن به جهت مسائل مادی نباشد و آن فرد متمکن به این فرد به جهت نیازش کمک کند، یا اینکه به خاطر کمالاتی که دارد به او هدیه‌ای بدهد، چنین مصاحبتی مانعی ندارد.

سخنان امام حسین علیه السلام پیرامون عزت

۱. مرگ با عزت و آزادگی بهتر از زیستن با ذلت و خواری است؛ «موت فی عزّ خیر من حیاة فی ذلّ»^۱.
۲. در روز عاشورا فرمود: «الموت خیر من رکوب العار و العار اولی من دخول النار»: مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ و خواری و آن سزاوارتر از ورود به آتش جهنم است.^۲
۳. به محمد حنفیه فرمود ای برادر اگر در تمام دنیا هیچ پناهگاه و نقطه امنی برایم پیدا نشود، من با یزید بیعت نخواهم کرد.
۴. به خدا سوگند نه دست ذلت می‌دهم و نه مانند بردگان فرار می‌کنم «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل و لا افرّ فرار العبید».
۵. شجاعت و عزت امام حسین علیه السلام؛

۱. بحار ۴۴/۱۹۲

۲. بحار ۴۴/۱۹۲

وقتی معاویه به جهنم واصل شد، یزید به ولید بن عقبه فرماندارش در مدینه نامه نوشت که از سه نفر که یکی از آنها امام حسین علیه السلام بود برای او بیعت بگیرد. ولید امام را به دارالحکومه فراخواند.

آن حضرت با برادرزادگان و شیعیان خود فرمود: لباس رزم بپوشید و شمشیر را در زیر لباس پنهان کنید، اگر صدایم بلند شد به منزل او هجوم بیاورید و اگر کسی خواست مرا بکشد، او را بکشید. وقتی امام وارد شد، ولید گفت معاویه از دنیا رفت و یزید از شما بیعت خواسته است.

حضرت فرمود من در پنهان که بیعت نمی‌کنم، فردا در حضور مردم بیعت خواهم کرد. مروان بن حکم آنجا حضور داشت، به ولید گفت اگر حسین بیرون رود دیگر به او دست نخواهی یافت. امام بسیار ناراحت شد، فرمود ای پسر زن بدکاره! تو می‌خواهی دستور قتل مرا صادر کنی. به خدا قسم کور خوانده‌ای. اگر کسی چنین اراده‌ای کند زمین را با خورش سیراب خواهم کرد.

بعد از آن قسمتی از کمالات خویش را برشمرد و چهره پلید یزید را روشن ساخت «ایها الامیر انا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة و محل الرحمة و بنا فتح الله و بنا ختم و یزید رجل فاسق شارب الخمر قاتل النفس المحرمة معن بالفسق و مثلی لا یباع

مثله و لکن نصیح و تصبحون و تنتظر و تنتظرون اینا حق بالخلافة و البيعة»^۱

۶. «الا و انّ الدّعی بن الدّعی قد رکز بین اثنتین بین السّلة و الذّلة و هیات منّا الذّلة»^۲ آگاه باشید بدرستی که فرومایه پسر فرومایه مرا میان دو راه و دو انتخاب قرار داده میان مرگ با افتخار و زنده ماندن با ذلت و ذلت پذیری از من دور است.

۷. نمونه دیگر عزت امام حسین علیه السلام؛

وقتی امام حسین علیه السلام با لشکر حرّ برخورد کرد، حضرت فرمودند تو چه قصدی داری «فما تريد؟» گفت می خواهم شما را نزد عبیدالله بن زیاد ببرم. حضرت فرمود سوگند به خدا از تو پیروی نمی کنم و نزد او نمی روم. ارید ان انطلق بک الی الامیر عبید الله بن زیاد. فقال علیه السلام: «اذأ و الله لا اتبعک».

بعد حرّ گفت من به شما می گویم اگر بجنگی کشته خواهی شد -لئن قاتلت لتقتلن- حضرت فرمود آیا تو مرا از مرگ می ترسانی؟ «اقبالموت تخوفنی» بعد از آن فرمود: «سأمضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوی حقاً و جاهد مسلماً»^۳.

۱. ارشاد مفید ۱۰۰ - لهوف ۱۹

۲. لهوف ۱۵۶

۳. بحار ۲۴/۳۷۷

۱۷. امام حسین علیه السلام و آزادی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام حسین علیه السلام که در قیام کربلا قابل توجه همه انسان‌ها قرار گرفته، روحیه آزادی و استقلال طلبی امام حسین علیه السلام است.

امام حسین علیه السلام از آنجا که عبد خالص خدا است و حاضر نیست بنده دیگران باشد، همه مصائب و مشکلات را تحمل کرد و زیر بار ظلم و ستم یزید نرفت و با صراحت و قاطعیت فرمود: «مثلی لا یباع مثله»، نفرمود من بیعت نمی‌کنم - تا انسان بگوید امام چون حجت خداست وظیفه شخصی او عدم بیعت بوده است، اما چه اشکال دارد ما با ستمگران بیعت کنیم - بلکه فرمود مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند، یعنی هرکس مدعی بندگی و اطاعت از خدا است، نباید عبد و بنده دیگران باشد.

از این‌رو حضرت علی علیه السلام فرمود: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرّاً»^۱.

چه اینکه آن حضرت فرمود آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل دوری نمی‌گردد؟ «الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه». در چنین شرایطی هر انسان مؤمنی باید

۱. بحار ۲۴/۲۲۲

۲. نهج البلاغه نامه ۳۱

با نثار جان خود در راه خدا رغبت نشان دهد «لیرغب المؤمن فی لقاء الله حقاً حقاً فإتی لا اری الموت الا سعادة و الحیاة مع الظالمین الا برماً»^۱ در این بیان نیز امام ن فرمود تنها من رغبت به لقاء حق دارم، بلکه فرمود انسان مؤمن باید رغبت به لقاء حق داشته باشد.

آزادگی در همه احوال زندگی

قال الصادق علیه السلام: «ان الحرَّ حرٌّ علی جمیع احواله أن نابته نائبة صبر لها و ان تداکت علی المصائب لم تکسره و ان أسر و قهر و استبدل بالیسر عسراً کما کان یوسف الصدیق الامین صلوات الله علیه لم یضرر حرّیته ان استعبد و قهر و أسر»: آزاده در تمام احوالش آزاده است، اگر مصیبتی به وی برسد، صبر پیشه کند و اگر مصیبت‌ها بر او وارد شود او را نشکند و اگرچه اسیر و مقهور شود و از راحتی به سختی افتد چنانکه آزادگی یوسف صدیق امین را که به بردگی رفت و اسیر و مقهور شد زیان نرسانید.^۲

۱. بحار ۲۴/۲۸۱

۲. کافی ۲/۸۹

عبادت آزادگان

قال الباقر علیه السلام: «ان قوماً عبدوا الله شکرأفتلک عبادة الاحرار»: گروهی خداوند را برای شکر و سپاس از نعمت‌هایش می‌پرستند و اینگونه پرستش، پرستش آزادگان است.^۱

عوامل آزادی

- الف. ترک شهوات؛ قال علی علیه السلام: «من ترک الشهوات کان حراً»: هر کس که خواسته‌های نفسانی را ترک کند آزاده است.^۲
- ب. زهد؛ قال علی علیه السلام: «من زهد من الدنیا اعتق نفسه و ارضی ربّه»: کسی که در دنیا زهد بورزد، نفس خود را آزاد و خداوند را خشنود کرده است.^۳
- ج. کسب حلال؛ قال علی علیه السلام: «من توفیق الحرّ اکتسابه المال من حلّه»: از جمله توفیقات شخص آزاده، به دست آوردن مال از طریق حلال است.^۴
- د. دوری از رذائل؛ قال علی علیه السلام: «الحریة منزّهة من الغلّ و المکر»: آزادی پاک و منزّه از هر حیله است.^۵

۱. بهار ۱۸۷، ۷۸.

۲. نصف العقول ۹۹.

۳. غررالحکم ۸۸۱۶.

۴. غررالحکم ۹۳۹۳.

۵. غررالحکم ۱۲۸۵.

ه ترک دنیا؛ قال علی علیه السلام: «الاحرّ يدع هذه اللماظة لأهلها أنه ليس لأنفسكم ثمن إلا الجنة فلا تتبعوها إلا بها»: آیا آزادمردی نیست که باقیمانده این لقمه را برای اهلش رها کند (کنایه از اینکه به متاع دنیا دل نبندد) زیرا که برای شما جز بهشت نباشد، پس آن را جز به بهشت مفروشید.^۱

و. بندگی خداوند؛ قال علی علیه السلام: «من قام بشرائط العبودیة اهلّ للتعق و من قصر عن احكام الحرّیة اعيد الى الرق»: هرکس به شرایط آزادگی قیام کند، سزاوار آزادی است و کسی که از احکام آن کوتاهی بورزد به بندگی برمی‌گردد.^۲

اشاره

امام حسین علیه السلام روز عاشورا به دشمنان فرمود: «یا شیعة ال ابی سفیان إن لم تکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فكونوا أحراراً فی دنیاکم»: اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، در دنیا آزاده باشید.^۳

وقتی که عثمان به خلافت رسید، اموال بیت‌المال را تزییع کرد. ابوذر همواره به او اعتراض می‌کرد. روزی عثمان کیسه‌ای پر از پول به غلامش داد و به او گفت این کیسه را به ابوذر بده، اگر پذیرفت تو را آزاد می‌کنم. غلام کیسه را آورد، ولی ابوذر نپذیرفت. غلام

۱. نهج البلاغه حکمت ۴۵۶

۲. غرر الحکم ۸۵۲۹

۳. بحار ۵۱/۴۵

گفت اگر بپذیری من آزاد می‌شوم. ابوذر گفت آری، تو آزاد می‌شوی
ولی من بنده می‌گردم.^۱

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزادم

سرسلسله مردم آزاد حسین است
آنکس که در این ره سروجان داد حسین است
مردی که چو گوهی به بر تیشه بیداد
دامن به کمر زد و ایستاد حسین است
درسی به بشر داد به دستور الهی
درشش عملی بود نه کتبی نه شفاهی
آئین یزیدی که بری بود ز انصاف
نمود به تهدید و به تطمیع گواهی
در معرکه دشمن چو به او خط امان داد
رو کرد و خروشان شد و در معرکه جان داد
بنهاد به زنجیر ستم گردن تسلیم
حنجر به دم خنجر بیدادگران داد
مردانه در این معرکه بنهاد قدم را
بر ضد ستمکار برافراشت علم را
با نیروی یزدانی و با دست خدایی
بشکست ز هم قدرت ارکان ستم را
اعلامیه از قتلگه کربلا داد
با زینب و سجاد سوی شام فرستاد
این حمله ز خون بود در آن نشریه مسطور
باید بشر از قید اسارت بود آزاد
او کرد به نوع بشر این قاعده تعلیم
کاندر ره آزادی از جان نبود بیم
دیگر نهراسد ز ستمکار ستمکش
مظلوم به ظالم نکند کرنش و تعظیم

۱۸. امام حسین علیه السلام و احیاء حق

یکی از اهداف قیام امام حسین علیه السلام موضوع زنده شدن حق و از بین رفتن باطل بود. از این رو فرمود مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل اجتناب نمی گردد؟ «الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهى عنه»^۱.

در اینجا این سؤال مطرح است که حق چیست و باطل کدام است؟

در قرآن کریم حقایق مختلفی توصیف به حق شده است، از جمله:

۱. خداوند متعال؛ (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ)^۲.
۲. رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا)^۳.
۳. نزول قرآن کریم؛ (أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ)^۴.
۴. دعوت به سوی خداوند؛ (لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ)^۵.
۵. معجزه؛ (فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ)^۶.

۱. تعف المقول ۲۲۵

۲. لقمان ۳۰

۳. بقره ۱۱۹

۴. شوری ۱۷

۵. رعد ۱۴

۶. یونس ۷۶

۶. قیامت؛ (قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ)¹.
۷. میزان در قیامت؛ (وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ)².
۸. مال حلال؛ (وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ)³.
۹. مثال‌های قرآن کریم؛ (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَّا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ)⁴.
۱۰. رزق خداوند؛ (وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ)⁵.
۱۱. واقعیت‌های خلل ناپذیر؛ (بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ)⁶.
۱۲. کارهای خداوند، مانند خلقت جهان؛ (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ)⁷.
- از مجموع این آیات استفاده می‌شود که حق یک واقعیتی است ثابت و پایدار و حقیقتی است انکارناپذیر که در جهان هستی حق مطلق خداوند است و امور دیگر کارهایی است که از خداوند نشأت گرفته یا محقق می‌شود مانند رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نزول قرآن

۱. یونس ۵۲

۲. اعراف ۸

۳. بقره ۲۸۲

۴. بقره ۲۶

۵. ذاریات ۲۲-۲۳

۶. انبیاء ۱۸

۷. انعام ۷۳

کریم، رزق مردم یا معجزه پیامبر که به قدرت الهی انجام می‌شود یا معاد که به اراده الهی برپا می‌شود.

امام حسین علیه السلام در زمانی قرار گرفته بود که دید مردم به دستورات الهی یعنی قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل نمی‌کنند. حلال خدا را حرام کردند و حرام را حلال کردند و حکومت ظالمانه یزید را پذیرفته‌اند که احکام دین را به مسخره گرفته است. از این رو برای احیای حق و احکام اسلام قیام کرد و فرمود:

«مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرَامِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يَغْيِرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنِ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَأَظْهَرُوا الْفِسَادَ وَعَطَّلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَأَحَلَّوْا حُرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَهٖ وَأَنَّى أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقْرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ.»^۱

نکته دیگر اینکه ملاک حق و باطل چیست؟

قرآن کریم ملاک حق بودن را حقیقت داشتن و مطابق بودن اندیشه و فکر و سخن و کار با متن واقع و نفس الامر می‌داند و هرچه نقطه مقابل آن باشد باطل است. مثلاً توحید حق است و بت‌پرستی باطل. (ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ).^۲

سر اینکه توحید حق است، چون نظام هستی مخلوق خداوند متعال است. (اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ).^۱

و معبودان دروغین باطل هستند زیرا قدرت ندارند یک مگسی را خلق کنند (إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا).^۲

یا اینکه قیامت حق است. قرآن کریم درباره منکران قیامت - که می گفتند (إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ)^۳: زندگی همین زندگی دنیاست و ما برانگیخته نمی شویم - می فرماید: (وَلَوْ تَرَى إِذِ وُفِّقُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا).^۴

که در قیامت منکران معاد که در پیشگاه الهی حضور می یابند اقرار به حق بودن قیامت می کنند.

پایداری حق و زوال باطل

نکته بسیار مهمی که پیرامون حق و باطل وجود دارد آن است که حق از دوام و ثبات برخوردار است و باطل نابود شدنی است. گرچه چند روزی جولان داشته باشد.

(وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا).^۵

(وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ).^۶

۱. زمر ۶۲

۲. حج ۷۳

۳. انعام ۲۹

۴. انعام ۳۰

۵. اسراء ۸۱

۶. شوری ۲۴

بَلْ تَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ^۱.

نبرد حق و باطل

نکته دیگر اینکه نبرد و تقابل جبهه حق و باطل همیشه بوده و هست. از ابتدای خلقت تا به حال در برابر انبیا و اولیا دشمنانی صف‌آرایی کرده و برای نابودی نور اسلام تلاش کرده‌اند، اما ناکام مانده‌اند. در مقابل حضرت ابراهیم علیه السلام، نمرود، در مقابل حضرت موسی علیه السلام، فرعون، در برابر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابو جهل، ابوسفیان، ابولهب، در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام، معاویه و ابن ملجم، در برابر امام حسن مجتبی علیه السلام، معاویه، در برابر امام حسین علیه السلام، یزید، در برابر امام سجاد علیه السلام، عبدالملک مروان، در برابر امام باقر علیه السلام، هشام بن عبدالملک، در برابر امام صادق علیه السلام، منصور، در برابر امام کاظم علیه السلام، هارون، در برابر امام رضا علیه السلام، مأمون، در برابر امام جواد علیه السلام، معتصم، در برابر امام هادی علیه السلام، متوکل، در برابر امام حسن عسکری علیه السلام، معتمد و در برابر حضرت مهدی علیه السلام جنایتکاران تاریخ و غول‌های بی‌شاخ و دمی که رؤسای کفر و شرک هستند. (بُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)^۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید سیادت و سعادت مربوط به کسی است که به حق عمل کند:

«فی لزوم الحقّ تكون السعادة» «من عمل بالحقّ أفلح» «من عمل بالحقّ غنم» «من عمل بالحقّ ربح»^۱.

و نیز آن حضرت می‌فرماید هرکس با حق به مبارزه برخیزد گرچه در ظاهر پیروز شود، اما در حقیقت شکست خورده است:

«من غالب الحقّ غلب» «من صارع الحقّ صرع» «من حارب الحقّ حُرب» «من ابدى صفحته للحقّ هلك»^۲.

نکته دیگر پیرامون حق آن است که حق در توصیف از دایره وسیعی برخوردار است و در عمل محدوده آن تنگ است. یعنی بسیاری از افراد از حق و عدالت سخن می‌گویند، به عمل که می‌رسند لغزش پیدا می‌کنند. «الحقّ اوسع الأشياء فى التواصف و اضيقها فى التناصف»^۳.

۱. غرر مترجم ۱/۲۱۴

۲. همان

۳. بهار ۲۷/۲۵۱

۱۹. امام حسین علیه السلام و دفاع از دین

امام حسین علیه السلام فرمود: «انَّ النَّاسَ عبيد الدُّنْيَا و الدِّينِ لعقِ علي السنتهم يحوطونه مادرت معاشهم فإذا محصوا بالبلاء قلَّ الدَّيَّانُونَ»^۱
 در قرآن کریم و روایات پیرامون دین، مطالب مختلفی بیان شده
 از جمله:
 معنای دین - ویژگی‌های دین - نشانه‌های دین‌داران - وظیفه ما در
 برابر دین.

۱. معنای دین؛

- در قرآن کریم واژه دین در معانی مختلفی به کار رفته است:
- جزا و حساب (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)
 - آئین و برنامه زندگی (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ)^۲.
 - حکم خداوند (وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ)^۳.
 - اعتقاد و پرستش خالصانه (فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ)^۴.

۱. بکار ۷۸/۱۱۷

۲. آل عمران ۸۵

۳. نور ۲

۴. عنکبوت ۶۵

(أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ).^۱

○ مجموعه امور اعتقادی و عملی و اخلاقی (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا

وَصَّي بِهِ نُوْحًا وَالَّذِي أَوْخَيْنَا بِإَيْكَ).^۲

(فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا

قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ).^۳

۲. ویژگی های دین اسلام:

دین اسلام دارای ویژگی هایی است که سایر ادیان فاقد آن است:

الف. فطری است (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ

النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ).^۴

ب. آسان است (وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ).^۵

ج. جامع و کامل است. به تمام نیازهای جسمی و روحی انسان توجه

دارد و برای تأمین نیاز جسم و روح دستورات مختلفی را بیان کرده

است و کمال آن به داشتن رهبر معصوم است که در غدیر خم

معرفی شد (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي).^۶

۱. بوسف ۴۰.

۲. شوری ۱۳.

۳. توبه ۱۲۴.

۴. روم ۳۰.

۵. مع ۷۸.

۶. مائده ۳.

۳. نشانه‌های دین‌داران؛

قال علی علیه السلام: «ان لأهل الدین علامات يعرفون بها صدق الحديث و اداء الأمانة و الوفاء بالعهد و صلة الرحم و رحمة الضعفاء ... و بذل المعروف و حسن الخلق و اتباع العلم و ما يقرب الى الله عزوجل طوبى لهم و حسن مأب»^۱.

۴. وظایف انسان در برابر دین؛

الف. شناخت دین؛ (فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ)^۲.

قال علی علیه السلام: «اول الدین معرفته و کمال معرفته التصدیق به»^۳.

ب. اخلاص در دین‌داری؛ (أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ)^۴.

ج. تسلیم در برابر احکام دین؛ (وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ)^۵.

د. اقامه دین؛ (أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ)^۶.

۱. امالی صدوق ۱۸۳

۲. توبه ۱۲۲

۳. نهج البلاغه خ ۱

۴. زمر ۳

۵. نساء ۱۲۵

۶. شوری ۱۳



هـ حمایت و پاسداری از دین؛ حضرت قمر بنی هاشم وقتی دستش را قطع کردند، فرمود: «و الله إن قطعتموا یمینی انّی احامی ابدأ عن دینی».

۲۰. امام حسین علیه السلام و اصلاح جامعه انسانی

یکی از اهداف قیام امام حسین علیه السلام اصلاح جامعه انسانی بوده است «و انّی لم اخرج اشراً و لا بطراً لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدی رسول الله ارید ان آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی علی بن ابی طالب...»^۱

اهمیت اصلاح

۱. با اینکه دروغ از گناهان کبیره است، اما برای اصلاح میان دو نفر مانعی ندارد «لا کذب علی الصلح»^۲.
۲. با اینکه نجوا و درگوشی حرام است و از اعمال شیطان می باشد، اما برای اصلاح مانعی ندارد (لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ)^۳.
۳. با اینکه شکستن سوگند حرام است، اما برای اصلاح مانعی ندارد (وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ)^۱.

۱. بحار ۴۴/۳۲۹

۲. بحار ۹۹/۲۴۲

۳. نسا. ۱۱۴

۴. با اینکه عمل به وصیت، واجب و ترک آن حرام است، اما اگر عمل به وصیت موجب فتنه بین ورثه شود، ترک وصیت و ایجاد صلح لازم است (فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ).^۱

انواع اصلاح

۱. اصلاح شخصی (توبه)؛ (أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ).^۲
۲. اصلاح خانوادگی؛ (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا).^۳
۳. اصلاح اجتماعی؛ (وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ).^۴
۴. اصلاح حکومتی؛ حضرت شعیب علیه السلام گوید: (إِنْ أُرِيدُوا إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ).^۵

۱. بقره ۲۲۴

۲. بقره ۱۸۲

۳. انعام ۵۴

۴. نساء ۳۵

۵. حجرات ۹

۶. هود ۸۸

۵. اصلاح جهانی؛ مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است که به وسیله ظهور آن حضرت جهان پر از عدل و داد می شود و ظلم و ستم برچیده خواهد شد. «به یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً».

اصلاح خداوند

اصلاح خداوند بر دو قسم است:

۱. اصلاح اعمال؛ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ).^۱

۲. اصلاح حال و قلب؛ (وَ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ * سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ).^۲

قال علی علیه السلام: «من أصلح سریره أصلح الله علانیه و من عمل لدینه كفاه الله امر دنیاه و من أحسن فیما بینه و بین الله أحسن الله ما بینه و بین الناس».^۳

هرکسی باطن خویش را اصلاح کند، خداوند ظاهر او را اصلاح می سازد و هرکس برای دین خود عمل کند، خداوند امر دنیای او را کفایت می کند و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.

۱. احزاب ۷۰-۷۱.

۲. محمد ۴-۵.

۳. نهج البلاغه حکمت ۴۲۳.

۲۱. امام حسین علیه السلام و دیدن ملکوت جهان

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ).^۱
مردم ظاهر بین فقط ظاهر عالم ملک و جهان طبیعی را می بینند
اما در کنار عالم ملک و طبیعی عالم ملکوت نیز وجود دارد که
اولیای خدا آن را می بینند.

در آن روزی که حضرت ابراهیم علیه السلام زن و بچه اش را به مکه آورد
و در آن سرزمین قرار داد، مردم ظاهر بین فقط بیابان خشک را
دیدند، اما ابراهیم چون حقیقت بین است، گفت: (رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ
فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ).^۱

ابراهیم چه می دید که مردم ندیدند؟ همان چیزی را دید که امام
حسین علیه السلام می دید و دیگران ندیدند. مردم در آن زمان کربلا را
به عنوان یک بیابان می دیدند.

حضرت زینب علیه السلام حدیث ام ایمن را برای امام سجاد علیه السلام خواند،
نه اینکه امام نداند، زیرا در شنیدن تأثیر دیگر است. گفت: پسر
برادرم! اینجا اینجور نمی ماند، خداوند بندگانش را می فرستد کنار
قبور شهدای ما و مردم با زیارت خود اینجا را آباد می کنند و برای
امام حسین علیه السلام و یارانش عزاداری می کنند.

۱. ابراهیم ۲۷

۲. ابراهیم ۲۷

دشمنان اسلام با این همه ایجاد ناامنی‌ها نتوانستند مانع زیارت مردم شوند و روز به روز مشتاقان زیارت بیشتر می‌شوند.

حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام از جمله کسانی است که ملکوت را دید و لذا به یارانش فرمود خداوند با من است و ما را هدایت می‌کند، از این رو وارد دریا شدند و نجات یافتند و خداوند از فرعونیان انتقام گرفت.

(فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ * قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ * فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَاَنْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ * وَأَرْلَفْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ * وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ).^۱

حضرت یوسف علیه السلام

حضرت یوسف علیه السلام نیز از جمله کسانی است که ملکوت را دید، در آغاز امر برادران او را به چاه انداختند و اطلاع نداشتند یک روزی باید نزد یوسف بیایند و معذرت‌خواهی کنند (اَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ)^۲ (قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ)^۱ (قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا).^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از جمله کسانی است که ملکوت را دید. آن روزی که دشمنان نقشه قتل او را کشیدند اطلاع نداشتند که خداوند یار و یاور اوست و پیامبر را در یک روزی بر کفار مکه پیروز می‌گرداند. (إِنَّمَا تَصْرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا).^۱

(إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا).^۲

از آنجا که امام حسین علیه السلام در کنار عالم ملک، ملکوت را می‌بیند، هیچ چیز نتوانست مانع حرکت امام حسین علیه السلام بشود. ۱۰ نفر نصیحت کردند یا نامه نوشتند که امام به عراق نرود:

۱. محمد بن حنفیه؛ گفت ای برادرا مردم کوفه را می‌شناسی که با پدر و برادرت بی‌وفایی کردند، ترس دارم با تو همین‌گونه رفتار کنند. امام فرمود: من از آن می‌ترسم که معاویه حرمت خانه خدا را نگه ندارد. محمد بن حنفیه گفت اگر از ماندن در مکه خوف داری به سوی یمن یا به جایی برو که تو را پیدا نکنند.

۲. عمر بن عبدالرحمن؛ گفت مردم کوفه بنده درهم و دینارند و حکومت در اختیار ناهلان است، می‌ترسم کسانی که تو را وعده

۱. یوسف ۵۵

۲. یوسف ۹۱

۳. توبه ۲۰

۴. نصر ۱-۲

یاری داده‌اند با تو بجنگند. امام فرمود ای پسر عم! خدا تو را جزای خیر دهد، می‌دانم تو از روی اخلاص سخن می‌گویی، هر چه قضای الهی باشد همان خواهد شد.

۳. عبدالله بن عباس؛ با اینکه جزء دانشمندان است «حبرالأمه» نام دارد، گفت اگر تصمیم شما قطعی است، زن و بچه خود را نبرید. امام نپذیرفت.

۴. عبدالله بن عمر؛ از امام درخواست کرد که با گمراهان سازش کند. امام فرمود مگر نمی‌دانی که سر حضرت یحیی به عنوان هدیه به سوی زنی تبه‌کار فرستاده شد. ای عبدالرحمن از خدا بترس و از یاری ما روی برمگردان.

۵. جابر بن عبدالله انصاری ۶. عبدالله بن زبیر ۷. عبدالله بن جعفر؛ شوهر حضرت زینب علیها السلام ۸. اوزاعی ۹. عمرو بن سعید ۱۰. میسور بن مخزومه.

کوتاه سخن اینکه امام حسین علیه السلام از سویی می‌دید حکومت زمان مرتکب جنایاتی می‌شود، سکوت در برابر آن حرام است و از سویی دیگر چون ملکوت را مشاهده می‌کرد، یعنی یقین داشت که با نثار خونس احکام تعطیل شده اسلام دوباره زنده خواهد شد، قیام کرد و به شهادت رسید. «انه قد نزل بنا ما ترون و ان الدنیا قد تغیرت و تنکرت و ادبرت ... الا ترون ان الحق لا يعمل به». منظور از تغییر، تغییر منطقی نیست. «العالم متغیر و کل متغیر حادث فالعالم حادث».

منظور تغییر در اوضاع حکومت و اسلام است. (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ).^۱

در نامه‌ای که به اهل بصره می‌نویسد، می‌فرماید: «أَنَّ السَّنَةَ قَدْ أَمِيتَتْ وَ أَنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيَيْتَ».

۲۲. حادثه بی نظیر کربلا

حوادثی که در جهان رخ می‌دهد نوعاً به دست فراموشی سپرده می‌شود. جنگ‌های فراوانی که در طول تاریخ رخ داده، امروزه هیچ اثری از آن نیست. مانند جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و جنگ‌های مختلف دیگر. به خلاف حادثه کربلا. در ظرف نصف روز جبهه حق که ۷۲ نفر بودند در برابر جبهه باطل که بیش از ۳۰ هزار نفر بودند ایستادگی کردند و به درجه شهادت رسیدند.

این حادثه در آن روز خیلی جلوه نکرد، لکن بعد از آن به تدریج این حادثه بزرگ شد تا به امروز که می‌بینید میلیون‌ها نفر عاشق و دلباخته مکتب بزرگ امام حسین علیه السلام شدند و نفرت و بیزاری خود را از دشمنان امام حسین علیه السلام اعلام می‌دارند و تا دامنه قیامت این واقعه کربلا هدایت‌گر انسان‌ها است.

در حادثه کربلا سه چیز نقش بسیار مهم داشته است: ۱. شخصیت ممتاز امام حسین علیه السلام ۲. اصحاب و انصار بی نظیر ۳. اسرا و عزیزان امام حسین علیه السلام که ادامه دهندگان راه او بودند.

در طول تاریخ شهید زیاد داشتیم مانند حضرت یحیی علیه السلام، حضرت حمزه علیه السلام، شهدای جنگ بدر و جنگ احد و سایر جنگ‌های اسلامی، اما هیچ کدام به عظمت امام حسین علیه السلام نمی‌رسند.

امام حسین علیه السلام یک شخصیت استثنایی است که محبوب خداوند و پیامبر است. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار «اللهم انى احبه فاحبه»^۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الحسن و الحسين خير اهل الأرض من بعدى و بعد ابیهما و امهما أفضل نساء اهل الأرض»^۲.

در بیان دیگر می‌فرماید حسین از من و من از حسینم «حسین منى و انا من حسین»^۳.

در سخنی دیگر می‌فرماید: «الحسن و الحسين سیدا شباب اهل الجنة»^۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فأما الحسين فإنه منى و هو ابنى و ولدى و خير الخلق بعد أخيه و هو امام المسلمين و مولى المؤمنين و خليفة رب العالمين و غياث المستغثين و كهف المستجيرين و حجة الله على خلقه أجمعين و هو سيد شباب اهل الجنة و باب نجات الأمة»^۵.

حدیث قدسی: (جعلت الحسن خازن وحیى اكرتمه بالشهادة و فتحت له بالسعادة هو أفضل الشهداء درجة فى الأولين و الآخرين».

۱. بحار ۲۳/۲۶۲

۲. بحار ۲۳/۲۶۲

۳. بحار ۲۳/۲۷۱

۴. كنز العمال ۱۲/۱۱۲

۵. بحار ۲۸/۳۹

امام حسین علیه السلام چه اندازه جاذبه داشته که با یک نگاه زهیر بن قین را متحوّل می‌کند. به حدی عاشق و دل‌باخته امام حسین علیه السلام می‌شود که در شب عاشورا گوید اگر هفتاد مرتبه کشته شوم زنده شوم، دست از یاری شما برنخواهم داشت.

در تاریخ است که دو قبیله بنی فزاره و بَجیله گویند ما همراه زهیر بن قین از مکه خارج شده و به سوی شهرمان می‌رفتیم (کاروان ما در پی کاروان حسین حرکت می‌کرد) و هر جا امام اقامت می‌کرد، ما کمی عقب‌تر می‌رفتیم.

در یکی از منازل مشغول غذا خوردن بودیم که دیدیم قاصد امام حسین علیه السلام به سوی ما می‌آید. او نزدیک ما آمد، سلام کرد و گفت ای زهیر بن قین! امام حسین علیه السلام مرا به سوی تو فرستاده تا او را اجابت کنی. با شنیدن این پیام همه ما لقمه‌های غذایی که در دست داشتیم را انداختیم و چنان بی‌حرکت و بهت‌زده شدیم که گویی پرنده‌ای به سر ما نشسته است.

زن زهیر رو به همسرش کرد و گفت «سبحان الله» پسر پیامبر قاصد فرستاده و تو را دعوت می‌کند، تو او را رد می‌کنی؟ برو ببین چه می‌گوید. زهیر پس از شنیدن سخن همسرش نزد امام رفت. دیری نپایید که با صورتی نورانی و خندان بازگشت.

دستور داد که خیمه‌هایش را بکنند و آن را در نزدیکی خیمه امام حسین علیه السلام برپا نمایند. پس از آن به همسرش گفت من تو را طلاق دادم، زیرا دوست ندارم که تو در راه من دچار بلایی شوی، من قصد دارم جانم را فدای حسین علیه السلام کنم. اموال همسرش را تحویل داد و

او را به یکی از پسرعموهایش سپرده تا به نزد خاندان برگردد. زن زهیر برخاست و شروع کرد به گریه کردن و با او وداع کرد و در حق او دعا کرد و گفت خداوند یار و یاورت باشد و خداوند هرچه خیر است برای تو مقدر کند. تقاضای من این است که در روز قیامت شفیع من گردی و نزد جدت حسین مرا نیز به یاد آوری.^۱

نکته بسیار مهم

در طول تاریخ فرماندهی دیده نشده و دیده نخواهد شد که حاضر باشد دست از سپاه و لشکر خود بردارد جز امام حسین علیه السلام که در شب عاشورا فرمود: «یا اهلی و شیعتی اتخذوا هذا اللیل جملاًکم فانهجوا بأنفسکم فلیس المطلوب غیری و أنتم فی حلّ و فی سعة من بیعتی»: ای اهل و پیروان من! از تاریکی شب استفاده کنید و بروید، زیرا دشمنان با من کار دارند نه شما و من بیعتم را از شما برداشتم.^۲

و در بیانی دیگر فرمود آنها می خواهند فقط مرا بکشند «ما یریدون الا قتلی».

۱. لهورف ۱۰۲

۲. فرهنگ سخنان امام حسین (ع) ۱۶



هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
 ثبت است بر جریده عالم دوام ما
 زنده در قبر دل ما بدن کشته توست
 جان مایی و تو را قبر حقیقت دل ماست
 زنده را زنده نخوانند که مرگ از پی اوست
 بلکه زنده است شهیدی که حیاتش ز قفاست
 دولت آن یافت که در کوی تو سر داد ولی
 این قبا راست نه بر قامت هر بی سر و پااست
 دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت
 آری آن جلوه که فانی نشود نور خداست
 نه بقا کرده ستمگر نه به جا مانده ستم
 ظالم از دست شد و پایه مظلوم بجاست
 تو در اول سر و جان باختی اندر ره عشق
 تا بدانند خلایق که فنا شرط بقاست
 رفت بر عرشه نی سرت ای نور خدا
 کرسی و لوح و قلم بهر عزای تو بیاست

۲۳. فرسوده نشدن حادثه کربلا

در نظام مادی همه موجودات رو به کهنگی و فرسودگی هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خورشید و ماه، هر شیء تازه‌ای را کهنه و فرسوده می‌سازند «و الشمس و القمر یُلبیان کلَّ جدید»^۱، لیکن پاره‌ای از این قانون مستثنا هستند و زمان روی آنها هیچ تأثیری ندارد؛

۱. ذات مقدس خداوند؛ «یا من لا تُغیره الدهور و لا تُبلیه الأزمنه»:
خداوند برتر از زمان است، زیرا خالق آن است. از این رو هیچ تأثیری در او ندارد.

۲. حضرت مهدی علیه السلام؛ امام زمان بیش از هزار سال است که از عمر شریفشان می‌گذرد و شاید زمان طولانی دیگر نیز ادامه یابد، اما وقتی ظهور می‌کند، مانند انسان ۳۰ تا ۴۰ ساله دیده می‌شود.

۳. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند چرا قرآن کریم تازگی و طراوت دارد؟ حضرت در پاسخ فرمود چون خداوند آن را برای تمام زمان‌ها قرار داده تا همه مردم از آن بهره‌مند شوند «لأن الله تبارک و تعالی لم یجعل له زمان دون زمان و لناس دون ناس فهو فی کلّ زمان جدید و عند کلّ قوم غضّ الی یوم القیامة»^۲.

۱. بحار ۹۲/۱۷

۲. بحار ۲/۲۸۰

۴. حماسه کربلا؛ تمام حوادثی که در جهان رخ داده نوعاً به دست فراموشی سپرده شده است. حادثه کربلا به سبب فداکاری امام حسین علیه السلام و یارانش برای همه انسان‌ها در طول تاریخ درس و برنامه زندگی است.

بهره‌مندی انسان‌ها از قیام امام حسین علیه السلام

در جهان هستی اموری وجود دارد که عموم انسان‌ها می‌توانند از آن فیض و بهره ببرند و اختصاص به هیچ طایفه و نژاد خاصی ندارد از جمله:

۱. رحمت الهی؛ (إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَبُّوْفٌ رَّحِيمٌ).^۱
۲. رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ (وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا).^۲
۳. قرآن کریم؛ (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ).^۳
۴. کعبه؛ (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا).^۴
۵. قیام امام حسین علیه السلام؛ «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة».^۵

۱. حج ۶۵

۲. نسا، ۷۹

۳. بقره ۱۸۵

۴. آل عمران ۹۶

۵. زیارت اربعین

قابل توجه اینکه در تمام آیات فوق کلمه «ناس» بیان شده است. در زیارت اربعین نیز کلمه «عباد» ذکر شده که منظور همان «ناس» است.

البته ناگفته نماند شرط بهره‌مندی از رحمت خاص خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معارف قرآن و قیام امام حسین علیه السلام، ایمان به مبدأ و معاد است زیرا در آیات دیگر می‌فرماید هدایت قرآن ویژه پرهیزکاران است (هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ). (وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ).^۱

نکته لطیف:

جهت اینکه قیام امام حسین علیه السلام برای همیشه تاریخ زنده و جاوید است آن است که به منفعت و سود همه انسان‌ها است و عامل سیادت و سعادت تمام انسان‌های حق‌طلب است.

قرآن کریم در آیه شریفه ۱۷ سوره رعد می‌فرماید (فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَنَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ).

در برابر زبد و کف که از بین رفتنی است قرآن نمی‌فرماید آب باقی می‌ماند، گرچه در برابر زبد، آب باقی می‌ماند، لکن قرآن می‌فرماید آنچه به حال مردم سودمند است باقی می‌ماند (وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَنَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ).

از این آیه شریفه می توان استفاده کرد که آنچه به حال مردم سودمند است، صبغه بقاء و دوام دارد مانند رحمت خداوند، رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، کعبه، قرآن کریم و از جمله قیام امام حسین علیه السلام قیام امام حسین علیه السلام چون حق بود برای همیشه ثبات و دوام دارد. (جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا)¹.

قیام امام حسین علیه السلام شجره طیبه‌ای است که هر صبح و شام میوه‌های آن به حق جویان خواهد رسید و دشمنان آن حضرت شجره خبیثه‌ای بودند که به تعبیر قرآن کریم هیچ فرار و ثباتی ندارند.

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ * وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ)².

۲۴. ولایت تکوینی امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام دارای ولایت تکوینی بود و معجزات زیادی از آن حضرت صادر شد که به برخی از آن اشاره می‌شود:

۱. اجابت نفرین

مردی در کربلا به امام حسین علیه السلام گفت: ای حسین! آیا به آب فرات نگاه نمی‌کنی که همانند شکم ماهیان موج می‌زند، والله از آن نمی‌چشی تا تشنه از دنیا بروی. امام گفت: «اللَّهُمَّ أَمْتَهُ عَطْشَانًا»: خدایا او را تشنه بمیران.

راوی گوید به خدا قسم این مرد همواره می‌گفت آب به من بدهید و آب به او می‌دادند و آن قدر می‌خورد که از دهانش می‌ریخت و دوباره می‌گفت آب به من بدهید که عطش مرا کشت و همین‌گونه بود تا مرد.^۱

۲. دعای باران

عده‌ای از اهالی کوفه نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند و از بی‌آبی و خشک‌سالی شکوه کردند و گفتند برای ما طلب باران کن. آن حضرت هم به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: بلند شو و طلب باران

کن. حضرت برخاست و حمد و ثنای خدا گفت و بر محمد درود فرستاد و گفت: «ای خدای بخشنده نعمتها و نازل کننده برکات! آسمان را بر ما بباران و ما را از بارانی فراوان، گسترده، بزرگ، روان و ریزان سیراب گردان که ضعف را از بندگانت برطرف سازی و شهرهای مرده را زنده کنی. آمین یا رب العالمین». هنوز حضرت دعای خود را به پایان نرسانده بود که خداوند یکباره باران فراوانی فروریخت. در آن هنگام عربی از بعضی نواحی کوفه آمد و خبر داد که آب در دره‌ها و گودال‌ها موج می‌زند.^۱

۳. زنده شدن مرده

جوانی گریه‌کنان خدمت امام حسین علیه السلام آمد. حضرت از وی پرسید چرا گریه می‌کنی؟ عرض کرد مادرم بدون وصیت از دنیا رفته و نمی‌دانم با اموال وی چه کنم؟ حضرت دعا فرمودند و مادرش زنده شد و به او فرمودند: وصیت کن خدا تو را رحمت کند. عرض کرد: یا بن رسول الله! یک سوم مال من برای شما و اگر فرزندانم از دوستان شماست، دوسوم آن از آن او باشد، وگرنه آن هم برای شما باشد. آنگاه زن از دنیا رفت.^۲

۵. پیدا کردن مرکب

شخص عربی نزد امام آمد و عرضه داشت: مرکب سواری من گم شده است و جز آن وسیله‌ای ندارم. حضرت گم‌شده‌اش را به او

۱. بحار ۴۴/۱۸۷

۲. بحار ۴۴/۱۸۱

نشان دادند. وقتی سراغ مرکب خود رفت، شیری را دید که از آن نگرهبانی می‌کند.^۱

ع اجابت دعا

امام حسین علیه السلام در مسافرتی به درختی رسیدند که از بی‌آبی خشک شده بود. راوی گوید: حضرت دعایی کرد که من نفهمیدم، ناگهان درخت را سرسبز و دارای میوه دیدم. شخصی که به حضرت مرکبی کرایه داده بود با دیدن آن چنین گفت: این سحر است. امام علیه السلام فرمود: وای بر تو، این عمل سحر نیست، بلکه دعای مستجاب فرزند پیامبر است.

۲۵. عزاداری برای امام حسین علیه السلام

پاسخ به هشت پرسش

۱. چه دلیلی از قرآن کریم برای عزاداری وجود دارد؟

پاسخ اینکه در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که موضوع تعظیم شعائر را نشانه تقوای قلب دانسته است، علاوه یاد بزرگان و مجاهدان راه خدا مورد توجه قرار گرفته است، چه اینکه از کسانی که بدون جهت کشته شدند یاد شده است که به خاطر ایمان به خدا آنها به شهادت رسیدند. (ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ).^۱

(وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا)^۲ (وَ كَايِّنَ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرًا)^۳ (وَ اِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِاَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ).^۴
(قُتِلَ اَصْحَابُ الْاُخْدُودِ * النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ * اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ * وَ هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ * وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ اِلَّا اَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ).^۵

۱. حج ۳۲

۲. مریم ۴۱

۳. آل عمران ۱۴۶

۴. تکویر ۸-۹

۵. بروج ۴-۸

موضوع عزاداری برای امام حسین علیه السلام نیز دارای این جهات مختلف است. هم تعظیم شعائر است، هم یادی از مجاهدان است و هم روشن می‌شود که به جهت ایمان به خدا آن حضرت تسلیم دشمنان اسلام نشد.

- خرج دادن برای امام حسین علیه السلام؛

قال علی علیه السلام: «ان الله اختارنا و اختار لنا شيعة ينصروننا و يفرحون لفرحنا و يحزنون لحزننا و يبذلون أموالهم و أنفسهم فينا اولئك منا و الينا»^۱.

- عزاداری برای امام حسین علیه السلام مزد رسالت است؛

(قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ).^۲

آفات عزاداری

۲. آفات عزاداری چیست؟

به بیست آفت اشاره می‌شود:

- ۱) عزاداران باید از ریا و تظاهر دوری کنند.
- ۲) مزاحمت برای مردم و سدّ معبر.
- ۳) مزاحمت از طریق صدای بلندگو



- ۴) اسراف کردن در میهمانی‌ها
- ۵) چشم و هم‌چشمی‌ها
- ۶) رعایت نکردن محرم و نامحرم
- ۷) مستحبات به واجبات ضرر نزنند. قال علی علیه السلام: «لا قربة بالنوافل اذا أضرت بالفرائض».
- ۸) قربانی نباید در مسیر مردم باشد.
- ۹) عزاداری بعد از نیمه شب نباید باشد که مزاحم مردم باشد.
- ۱۰) گرفتن پول با رودربایستی برای خرج هیأت
- ۱۱) خرج دادن برای هیأت بدون پرداخت خمس و زکات
- ۱۲) جدا شدن عزاداری‌ها از روحانیون
- ۱۳) تعصبات محلی قومی قبیله‌ای
- ۱۴) طولانی شدن برنامه‌ها و خسته کردن مردم
- ۱۵) تبعیض در پذیرایی از عزاداران
- ۱۶) برخورد نامناسب با کودکان
- ۱۷) عدم رعایت اعتدال در نذرکردن برای هیأت‌ها و حسینیه‌ها در مداحی و مرثیه‌سرایی نیز نکاتی باید مورد توجه قرار بگیرد، از جمله اینکه:
- ۱۸) نباید حرفی زد که بوی غلو بدهد و نباید حرفی زد که مقام و منزلت امام معصوم علیه السلام پایین بیاید.
- ۱۹) در اوقات نماز باید عزاداری تعطیل شود.

۲۰) کلماتی را نباید گفت که دشمنان سوء استفاده کنند، مانند هیأت دیوانگان حسینی، بلکه باید گفت هیأت عاشقان حسینی.

و روضه‌های بسیار جانسوز را نباید خواند، مگر در ایام تاسوعا و عاشورا که مردم حق آن را ادا کنند و با اشک ریختن احترام آن را حفظ کنند.

۳. عزاداری برای امام حسین علیه السلام تا چه حد مجاز است؟

در حدی که شعور بر شور غالب باشد و موجب انحراف نشود. کارهایی مانند قمه‌زدن، آهن و زنجیر به خود بستن و سینه‌خیز رفتن روی زمین، راه رفتن زیر علم و آهن سرد و سنگین که گاهی عوارض جسمی دارد و اینگونه کارها هیچ دلیل عقلی و شرعی ندارد. لکن سینه‌زنی و زنجیرزنی که سنگین و وزین انجام می‌شود درست است که به قول امام امت علیه السلام عزاداری سنتی انجام شود.

۴. آیا طرح مباحث و اشعاری که موجب خفت و خواری امام

حسین علیه السلام می‌شود، جایز است؟

بدیهی است که جایز نیست، مانند: «زینب مضطرم - مهربان خواهرم - الوداع الوداع». قیام امام حسین علیه السلام برای حفظ عزت بود «یهات منا الذلّة».

۵. آیا تشکیل جلسات بحث و گفتگو و میزگرد و سمینار بهتر از

عزاداری نیست؟

انسان دارای دو بعد عقلانی و عاطفی است. صرف بحث عالمانه و معرفتی باعث تحول روحی نمی‌شود، لکن این عزاداری‌ها و سیاه‌پوشی‌ها موجب ریختن اشک می‌گردد و یک نوع تحوّل درونی حاصل می‌شود که به برکت این اشک بر امام حسین علیه السلام، افراد زیادی موفق به توبه و تهذیب نفس می‌شوند.

۶. ذکر ثواب‌های عجیب و غریب برای عزاداری تا چه اندازه

صحیح است؟

ذکر این ثواب‌ها مانند تأثیر نماز در نهی از فحشاء و منکر است که مقتضی است نه علت تامه. مانند اینکه می‌گوییم آتش علت سوزاندن است، در صورتی که مانعی نباشد. یا آب علت خاموش کردن آتش است. هر آب و هر آتشی این تأثیر و تأثر را ندارد، هر آبی نمی‌تواند هر آتشی را خاموش کند.

۷. چرا فقط برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌شود، نه برای امامان

دیگر؟

به خاطر ویژگی‌های مختلفی که در حادثه عاشورا اتفاق افتاده است از جمله محاصره شدن این افراد، بسته شدن آب بر آنان، غارت

شدن اموالشان، به اسارت رفتن زن و بچه‌شان و شهادت پیرترین افراد تا فرزند ۶ ماهه، آن‌هم تشنه‌لب، قیام امام حسین علیه السلام بی نظیر است.

۸ فلسفه سیاه‌پوشی در ایام عزاداری چیست؟

رنگ سیاه از جهات مختلف آثاری دارد که هر گروهی به منظوری از آن بهره می‌برد:

(۱) استتار و پوشش برای پنهان شدن
 (۲) رنگ هیبت و تشخص (از این جهت لباس رسمی شخصیت‌ها نوعاً سیاه یا سورمه‌ای سیر است).

(۳) رنگ حزن‌آور و دل‌تنگی و مناسب مجالس ماتم و عزاست. کسی که در ماتم عزیزی لباس سیاه می‌پوشد و در و دیوار را سپاه‌پوش می‌کند، می‌خواهد بگوید تو مایه روشنی چشم من بودی و با رفتن تو زمین و زمان سیاه شد.

حضرت فاطمه علیها السلام: «یا ابتاه انقطع بک الدنیا بأنوارها و زوت زهرتها و کانت بیهجتک زاهرة فقد اسودت نهارها»^۱.

امام باقر علیه السلام: زنان بنی‌هاشم در سوگ اباعبدالله جامه سیاه بر تن کردند «لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ نِسَاءَ بَنِي هَاشِمِ السَّوَادَ»^۲.

۲۶. تقویم کربلا

۱. مدت قیام امام حسین علیه السلام از روز امتناع از بیعت تا روز عاشورا ۱۷۵ روز طول کشید. ۱۲ روز در مدینه، ۴ ماه و ۱۰ روز در مکه، ۲۳ روز در بین راه مکه تا کربلا، ۸ روز در کربلا.
۲. منازلی که امام بین مکه تا کوفه طی کرده ۱۸ منزل بوده و فاصله بین منزلها ۳ تا ۵ فرسخ بوده است. منازل بین کوفه تا شام ۱۴ منزل بود که اسرا را عبور دادند.
۳. طبق نقل مرحوم شیخ مفید، تعداد نامه‌ها ۱۲ هزار عدد بود.
۴. بیعت کنندگان با مسلم بن عقیل در کوفه ۱۸ هزار، ۲۵ هزار، ۴۰ هزار نفر نقل شده است.
۵. نام شهدا ۸۲ نفر آنها در زیارت ناحیه آمده است، جمع شهدا ۱۳۸ نفر.
۶. امام حسین علیه السلام ۵۷ سال سن داشت.
۷. ۷۷ زخم بر بدن امام حسین علیه السلام وارد شده، ۳۳ زخم نیزه و ۳۴ ضربه شمشیر غیر از زخم‌های تیر که بر بدن حضرت بود.
۸. کسانی که بر بدن امام حسین علیه السلام اسب تاختند ۱۰ نفر بودند.

۹. تعداد سپاه کوفه بیش از ۳۰ هزار نفر. عمر سعد با ۶۰۰۰ نفر، سنان با ۴۰۰۰، عروه بن قیس با ۴۰۰۰، شمر با ۴۰۰۰، شیبث بن ربیع با ۴۰۰۰، یزید بن رکاب کلبی با ۲۰۰۰، حصین بن نمیر ۲۰۰۰، مازنی ۳۰۰۰، نصر مازنی با ۲۰۰۰ نفر.
۱۰. ۵ نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله شهید شدند: انس بن حارث کاهلی - حبیب بن مظاهر - مسلم بن عوسجه - هانی بن عروه - عبدالله بن بقطر عمیری.
۱۱. در رکاب امام ۱۵ غلام شهید شدند.
۱۲. دو نفر از یاران امام در روز عاشورا اسیر و شهید شدند: سوار بن منعم و موقع بن ثمامه صیداوی.
۱۳. ۴ نفر از یاران بعد از شهادت امام شهید شدند.
۱۴. ۷ نفر در حضور پدر خود شهید شدند.
۱۵. ۵ نفر از زن‌ها از خیام حرم به طرف دشمن حمله کردند.
۱۶. زنی که در کربلا شهید شد، مادر وهب بود.
۱۷. اصحاب امام حسین علیه السلام: عبدالله بن عمیر - حر بن یزید - مسلم بن عوسجه - عمرو بن قرظه انصاری - ابو ثمامه صائدی - سعید بن عبدالله حنفی - حبیب بن مظاهر - زهیر بن قین - نافع بن حلال - یزید بن زیاد - جون، غلام ابی ذر - فتیان غفاریان: عبدالله و عبدالرحمن - فتیان جابریان: سیف بن حارث بن سریع و مالک بن عبدالله بن سریع - عباس بن ابی شیب - شوذب - حنظله بن اسعد - عمر بن خالد صیداوی - بریر بن حضیر - اسلم بن عمر - جناده بن حارث - عمرو بن جناده - قیس بن مسهر صیداوی.

۱۸.۱۸ نفر از بنی هاشم به شهادت رسیدند: امام حسین علیه السلام - عباس، عبدالله، جعفر، عثمان (۴ فرزند ام البنین) - عبدالله و ابوبکر (دو فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام)، امهما لیلی بنت مسعود الثقفیه) - علی اکبر و عبدالله (دو فرزند امام حسین علیه السلام) - قاسم، ابوبکر، عبدالله (فرزندان امام مجتبی علیه السلام) - محمد و عون (دو فرزند حضرت زینب علیه السلام) - عبدالله، جعفر، عبدالرحمن (فرزندان عقیل بن ابیطالب) - عقیل - محمد بن سعید بن عقیل^۱.

۱۹. اصحاب امام حسین علیه السلام چند نفر را کشته‌اند؟ حرّ بن یزید ۱۸ نفر را کشته است «فقتل منهم ثمانية عشر رجلاً» - زهیر بن قین، ۱۹ نفر «فقتل منهم تسعة عشر رجلاً» - حبیب بن مظاهر ۳۱ نفر را کشته است - عبد الله بن ابی عروه ۲۰ نفر - هلال بن حجاج ۱۳ نفر - بدیر بن حضیر همدانی ۳۰ نفر - عبدالله بن مسلم بن عقیل ۳ نفر - قاسم بن الحسن ۳ نفر - مالک بن انس ۳۰ نفر - قمر بنی هاشم ۸۰ نفر - زیاد بن مهاصر کندی ۹ نفر.

«وہب بن وہب کان نصرانیاً أسلم علی یدی الحسین» وہب بن وہب ۷ یا ۸ نفر را کشته سر فرزند را به طرف مادر انداختند، مادر هم عمود خیمه را گرفت و حمله کرد و ۲ نفر را کشت. امام فرمود «اجلسی فقد وضع الله الجهاد عن النساء».

۲۷. اصحاب بی نظیر امام حسین علیه السلام

(وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالنَّاصِرِينَ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) * وَ مِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ
الْأَعْرَابِ مُتَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ
نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ) ۱.

مفسران اهل سنت نوعاً به آیه اول تمسک کردند و معتقدند که
همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بهشت هستند، لکن از آیه دوم غفلت
کردند.

و حدیثی را در ذیل آیه نخست نقل کرده‌اند که حمیدبن زیاد
گفت: نزد محمدبن کعب قرضی رفتم، گفتم درباره اصحاب پیامبر
چه می‌گویید؟ گفت: «جمیع اصحاب رسول الله فی الجنة محسنهم و
مسیئهم». از او پرسیدم به چه دلیل این سخن را می‌گویید؟ آیه (و
السَّابِقُونَ) را قرائت کرد، سپس گفت درباره تابعین شرطی وجود
دارد و آن اینکه در کارهای نیک از اصحاب پیروی کنند، در این
صورت اهل بهشت‌اند، اما صحابه چنین شرطی در مورد آنها لازم
نیست.

و لکن باید گفت این ادعا باطل است زیرا اصحاب باید به طریق اولی اهل احسان و نیکی باشند.

علاوه ملاک برتری، ایمان و عمل صالح است. هریک از اصحاب دارای این دو شرط بودند، اهل بهشت‌اند و الآخیر. از این رو آیه بعدی این مطلب را روشن می‌کند، می‌فرماید برخی از اصحاب به سوی نفاق حرکت کردند (وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ).

ثالثاً این مطلب با متن تاریخ سازگار نیست که گفته شود همه اصحاب انسان‌های درستی بودند، زیرا برخی از انسان‌ها کارهای بسیار زشت و ناپسندی انجام دادند که آیاتی در نکوهش از آنان نازل شد، از جمله:

۱. ثعلبة بن حاطب؛ که منکر حکم زکات شد و آیه ۷۵ و ۷۶ سوره توبه در مورد او نازل گشت (وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ * فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ * فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقاً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْتَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ).^۱

۲. برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله فاسق بودند مانند ولید بن عقبه که آیه شریفه (إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...) در باره او نازل شد.

۳. چه اینکه در آیه شریفه (أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ)^۱ مؤمن به حضرت علی علیه السلام و فاسق به ولیدبن عقبه تطبیق شده است.

۴. آیه شریفه (وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنْذَن لِي وَلَا تَنْتَسِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ)^۲ درباره جد بن قیس نازل شد و او مرد منافقی بود که حاضر نشد در جنگ تبوک شرکت کند و به پیامبر گفت من علاقه شدیدی به زنان دارم مخصوصاً اگر چشمم به دختران رومی بیفتد ممکن است گرفتار آنها شوم، آیه شریفه در محکومیت او نازل شد.^۳

۵. برخی از صحابه در جنگ تبوک شرکت نکردند و آیه شریفه ۳۸ و ۳۹ توبه درمورد آنها نازل شد (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ * إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

۶. برخی از صحابه که منافق بودند مسجد ضرار ساختند.

۷. برخی از صحابه متأسفانه به اهل بیت علیهم السلام ظلم کردند و یاران باوفای پیامبر مانند ابوذر را تبعید کردند.

۱ سجد ۱۸

۲ توبه ۴۹

۳ تفسیر نمونه ۲۴۷/۷

البته برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله افراد فداکاری بودند که در همه جنگ‌ها شرکت می‌کردند و پیامبر را تنها نگذاشتند که قرآن کریم در برخی از آیات از آنان تمجید می‌کند، مانند (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) ^۱ (وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ). ^۲

قال علی علیه السلام: «این اخوانی الذین رکبوا الطریق و مضوا علی الحق این عمار این ابن التیهان ... الذین تلووا القرآن فأحکموه و تدبّروا الفرض فأقاموا و احيوا السنة و اماتوا البدعة». ^۳

امام سجاد علیه السلام برای برخی از اصحاب پیامبر دعا می‌کند: «اللهم و اصحاب محمد خاصة الذین احسنوا الصحابة و الذین ابلوا البلاء الحسن فی نصره...». ^۴

نکته:

اهل سنت برای منزلت اصحاب به برخی از روایات تمسک می‌کنند، مانند: «اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم». مرحوم محدث قمی در سفینه البحار جلد ۵ صفحه ۳۳ می‌فرماید این حدیث دروغ است، زیرا برخی از افراد و صحابه گنه‌کار بودند و نمی‌توان در عصیان و ظلم به آنها اقتدا کرد.

۱. فتح ۲۹

۲. نور ۶۲

۳. بحار ۱۲۶/۳۳

۴. الضحیة ۴۰

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر خواستید بدانید اصحاب من چه کسانی هستند ببینید کدام یک از آنها ورع و تقوایش بیشتر است «اذا اردت ان تعرف اصحابی فانظر الی من اشدت ورعه و خاف خالقه و رچی ثوابه فاذا رأیت هؤلاء فهؤلاء اصحابی»^۱.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از برخی از یارانشان راضی نبودند، از این رو در خطبه جهاد از آنان به شدت نکوهش می کند «یا اشباه الرجال و لا رجال انی لم ارکم و لم اعرفکم فقبحاً لکم».

امام حسن علیه السلام نیز برخی از اصحابش که مبتلای به نفاق و دنیاپرستی شدند و معاویه آنها را با پول خریداری کرد. تنها امامی که همه یارانش باوفا بودند امام حسین علیه السلام است. البته امام زمان علیه السلام نیز اصحابش انسان های کاملی هستند که در راه دین فداکاری می کنند.

در شب عاشورا امام حسین علیه السلام فرمود من اصحابی باوفاتر و بهتر از یاران خود ندیدم «اما بعد فانی لا أعلم اصحاباً اوفی و لا خیراً من اصحابی و لا اهل بیت ابر و اوصل من اهل بیتی»^۲.

بعد از آنکه آنها را در رفتن آزاد گذاشت و فرمود از تاریکی شب استفاده کنید، فردا این قوم فقط مرا می خواهند بکشند، ابتدا قمر بنی هاشم اعلام وفاداری کرد، بعد مسلم بن عوسجه گفت اگر هفتاد بار کشته شوم و زنده شوم، دست از شما بر نمی دارم «اما و الله لو

۱. سفینه ۴۲/۵

۲. بحار ۲۹۲/۴۴

علمت انی اقتل ثم احیی ثم احرق ... يفعل ذلك بی سبعین مرّة ما فارقتک ...»^۱ پس زهیر برخاست و گفت سوگند به خداوند دوست دارم هزار بار کشته شوم سپس زنده شوم و از شما دفاع کنم «و الله لوددت انی قتلت ثم نشرت ثم قتلت حتی اقتل هكذا الف مرّة و ان الله یدفع بذلک القتل عن نفسک و عن أنفس هؤلاء الفتیان من اهل بیتک»^۲.

بعد از آن برادرزاده‌ها و فرزندش و اصحابش یکی پس از دیگری اعلام وفاداری کردند. امام به فرزندان مسلم‌بن عقیل فرمود شهادت پدر شما را بس است. آنها گفتند «سبحان الله» مردم درباره ما چه می‌گویند. سوگند به خدا شما را تنها نمی‌گذاریم «لا و الله ما نفعل ذلک و لکن نغدیک بأنفسنا و أموالنا و أهلنا»^۳.

یکی از کسانی که با مادر و همسرش به کربلا آمده بود، وهب بود. مادر وهب به پسرش گفت: برخیز فرزند دختر رسول خدا را یاری کن. وهب گفت یاری می‌کنم و سستی نخواهم کرد. به میدان آمد و رجز خواند و حمله برد و همواره جنگید تا عده‌ای از دشمن را به هلاکت رساند. آنگاه بازگشت و خطاب به مادرش گفت: مادر راضی شدی؟ مادرش گفت راضی نمی‌شوم تا در برابر حسین علیه السلام به شهادت برسی. همسرش که عواطف و محبت همسری بر او غلبه

۱. بهار ۳۹۳/۴۴

۲. بهار ۳۹۳/۴۴

۳. بهار ۳۹۳/۴۴

کرده بود به وهب گفت: با رفتنت مرا تنها نگذار. در این حال مادرش گفت برو و در دفاع از حسین جلوی او بجنگ تا در قیامت مورد شفاعتش قرار گیری.

وهب دوباره رجز خواند و بر دشمن حمله برد و ۷ یا ۸ نفر را به هلاکت رساند و سپس دست‌هایش قطع شد. در این حال همسر قهرمانش عمود خیمه را برداشت و به نزد او رفت و گفت: پدر و مادرم فدایت باد، در دفاع از حرم رسول‌الله جهاد کن. شوهرش آمد تا او را از خیمه‌ها نزد زنان بازگرداند که لباس وهب را گرفت و گفت بر نمی‌گردم تا با تو کشته شوم.

امام حسین علیه السلام فرمود در راه دفاع از اهل‌بیت من جزای نیکی داده شوید. برگرد نزد زنان، خداوند تو را مورد رحمت خود قرار دهد. همسر وهب برگشت و او هم جنگید تا کشته شد. همسرش دوباره به میدان رفت و خون‌ها را از چهره شوهرش پاک می‌کرد که شمر او را دید و دستور داد تا یکی از دشمنان با عمودی که داشت بر سرش کوبید و او را به شهادت رساند.^۱

روز عاشورا عابس بن شیب که از مردان جبهه دیده و بسیار شجاع عرب بود نزد امام حسین علیه السلام آمد و سلام کرد، آنکه عرض کرد ای اباعبدالله! به خدا قسم کسی بر روی زمین نیست که عزیزتر و محبوب‌تر از تو نزد من باشد، اگر می‌توانستم ظلم و کشتن را با چیزی عزیزتر از جان خود از شما دور گردانم، همانگونه عمل

می کردم. سلام بر تو ای اباعبدالله، شهادت می دهیم که من بر راه تو و پدرت هستم. سپس با شمشیر به طرف دشمن حمله کرد...^۱

وقتی امام علیه السلام به محمد بن بشر حضرمی فرمود: «بیعتم را از تو برداشتم، برو و فرزندان را که اسیر شده اند آزاد کن»، عرض کرد: «اَکَلْتَنِي السَّبَاعُ اَنْ فَارَقْتُكَ»: درندگان، زنده مرا بخورند اگر از تو جدا شوم.^۲

یکی از یاران اباعبدالله علیه السلام غلام ابودر بود که چون نامیده می شد و از چهره های سیاه برخوردار بود. حضرت به او فرمود: تو آزادی و من بیعتم را از تو برداشتم. تو برای عاقبت و آسایش به دنبال ما آمدی و خود را به مصیبت ما مبتلا نکن. چون گفت یابن رسول الله! من در راحتی از شما بهره مند باشم و در سختی شما را رها کنم؟ بوی بدن من بد است، حسب من پست است و رنگم سیاه می باشد، مرا بهشتی کن تا خوشبو شوم و حسیم نیکو گردد و چهره ام سفید شود. به خدا از تو جدا نمی شوم تا این خون سیاهم با خون شما مخلوط شود. آنگاه وارد میدان جنگ شد و رجز خواند و جنگید تا به شهادت رسید. امام حسین علیه السلام بر جنازه او حاضر شد و گفت: خدایا چهره اش را سفید و بدنش را خوشبو گردان و او را با نیکان محشور فرما و با محمد و آل محمد قرین و آشنا گردان.^۳

۱. بحار ۲۹/۴۵

۲. بحار ۳۹۴/۴۴

۳. بحار ۲۲/۴۵

۲۸. حادثه کربلا و ارزیابی خویشتن

حادثه کربلا گرچه در ظرف نصف روز اتفاق افتاد و لکن تا قیامت برای بشر درس زندگی است.

هر انسان مسلمانی می‌تواند با توجه به برخوردهای بسیار زیبای امام حسین علیه السلام و انصارش و برخوردهای ناپسند و زشت دشمنان اسلام، وضعیت خویش را در هر زمانی ارزیابی کند که امروز ما در چه صف و جناحی هستیم؟

در جبهه و لشکر امام حسین علیه السلام بسیاری از فضایل مانند ترحم، مهربانی، ایثارگری، فداکاری، وفای به عهد، صداقت، صبر، حریت، عزت‌طلبی، توکل به خدا، رضایت در برابر مقدرات الهی، دفاع از دین و مانند آن مشاهده می‌شود.

و در لشکر یزید پیمان‌شکنی، دروغ، حرام‌خوری، قساوت قلب، بی‌رحمی، دنیاطلبی، ظلم و ستم و بسیاری از رذایل اخلاقی دیده می‌شود.

به مثال‌های ذیل توجه کنید:

۱. امام حسین علیه السلام با اصحابش با صداقت رفتار کرد، فرمود دشمنان فقط می‌خواهند مرا بکشند و اگر شما با من باشید شما هم کشته می‌شوید. امام علیه السلام وعده دنیا و پست و مقام به آنها نداد، حالا

من و شما هم باید با دوستانمان با صداقت برخورد کنیم، مبادا در زندگی انسانی را فریب دهیم.

۲. گاهی ما شعار می‌دهیم «ما اهل کوفه نیستیم» و لکن در عمل کاری می‌کنیم که نشان می‌دهد اهل کوفه هستیم. مثلاً زنی مهریه‌اش را از شوهر طلب می‌کند، با اینکه شوهر می‌تواند بدهد، لکن مهریه را پرداخت نمی‌کند.

یا اینکه جنسی را انسان به صورت نسیه ۲ ماهه می‌خرد با اینکه می‌تواند پول فروشنده را بپردازد، امروز و فردا می‌کند و شاید ۶ ماه از موعدهش گذشته پرداخت نمی‌کند.

یا مستأجر مغازه یا منزلی را یکساله اجاره کرده، بعد از انقضای اجاره حاضر نیست مغازه یا منزل را به صاحبش تحویل دهد. تمام این افراد اهل کوفه هستند، هرچند با صدای بلند فریاد بزنند «ما اهل کوفه نیستیم».

۳. امام حسین علیه السلام و اصحابش جان خود را ایثار کردند و لکن برخی از انسان‌ها در منازعات مالی اندک کار به محاکم کیفری می‌رسد و حاضر نیستند کوتاه بیایند.

۴. امام حسین علیه السلام و اصحابش از جان و مال گذشتند، برخی حاضر نیستند در راه خدا از قسمتی از اموال یا از آبروی خود مایه بگذارند.

۵. بعضی از انسان‌ها در هیأت‌های مختلف و در مجالس روضه شرکت می‌کنند و تا نیمه شب بر سر و سینه می‌زنند اما پنج سال است از مدت تکلیف او گذشته و درآمد خوبی دارد و زندگی او

تأمین است، با اینکه خمس به اموالش تعلق گرفته هنوز محاسبه نکرده و حاضر نیست خمس بدهد.

۶. برخی از افراد در محافل عمومی خوش خنده و خوش برخورد هستند و لکن با فرزند خردسال خود با تندی و عصبانیت برخورد می کنند و اگر همسر یا فرزندش کاری انجام دهد که بر خلاف میل اوست، همسر یا فرزندش را متأسفانه تنبیه بدنی می کنند.

۷. امام حسین علیه السلام نه تنها به دشمن، بلکه به اسب دشمن ترحم کرد و آنها را سیراب ساخت. اما متأسفانه برخی از انسان ها به دوست خود بی رحمی می کنند، جنسی را که می فروشد دو برابر گاهی سه برابر از او سود می گیرد.

۸. حرّ بن یزید گناه بزرگی مرتکب شد امام حسین او را بخشید و توبه او را پذیرفت شما چه اندازه حاضرید گناه افراد را ببخشید.

۹. امام حسین وقتی خواستند به پیرمردی وضو یاد دهند غیر مستقیم به او یاد دادند شما چرا برخی از عیوب مردم را مستقیم می گوئید تا از دین زده شود؟

۱۰. قیام امام حسین علیه السلام برای رضای خدا بود، تا به حال چند

بار به قصد قربت در مجلس روضه امام حسین علیه السلام شرکت کردیم؟
خوانندگان محترم استحضار دارید در مجالس روضه ای که نهار یا شام یا صبحانه می دهند مجالس شلوغ تر است از مجلسی که شام یا صبحانه نمی دهند.

به شخصی گفتند بیا برویم روضه، گفت خیلی متشکرم،

بنده شام خورده ام!!

۲۹. فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

احادیث زیادی در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام رسیده است. خداوند متعال آثار و برکات فراوانی برای این عمل با ارزش قرار داده، به پاره‌ای از آن‌ها توجه کنید؛

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، چون کسی است که خداوند را در فوق عرش زیارت کرده است.^۱
۲. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند و حق او را بشناسد، نام او در علین ثبت می‌گردد و خداوند گناهان گذشته و آینده او را خواهد بخشید (به جز حق الناس) و نیز آن حضرت می‌فرماید: زیارت قبر امام حسین علیه السلام نزد خدا با بیست حج برابر است، بلکه برتر از آن حج است و نیز می‌فرماید: زائر قبر امام

حسین علیه السلام مانند کسی است که صد حج را همراه رسول اکرم به جای آورده باشد.^۱

۳. حضرت ابوالحسن علیه السلام فرمود: آن که در هر سال سه مرتبه به زیارت امام حسین علیه السلام آید، از فقر و تنگدستی ایمن گردد.

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: زیارت قبر امام حسین علیه السلام روزی انسان را زیاد و عمرش را طولانی و بلاها را از او دور می کند.^۲

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت نکند، ایمان و دین او ناقص است.^۳

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی هزار مرتبه حج به جا آورد و امام حسین علیه السلام را زیارت نکند، حقی از حقوق پیامبر را ترک کرده است.^۴

۷. امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: اگر امام حسین علیه السلام را زیارت نکنید، جفا کرده اید. آیا نمی دانید چهار هزار ملک با چهره غبارآلود تا قیامت برای امام حسین علیه السلام گریه می کنند.^۵

۸. امام صادق علیه السلام به ابان فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، هر قدمی که برمی دارد، حسنه ای برای او نوشته می شود و گناهی از او بخشیده می شود.^۶

۱. همان

۲. وسائل الشیعه ۳۴۰/۱۰

۳. بحار ۷/۱۰۱

۴. بحار ۷/۱۰۱

۵. بحار ۷/۱۰۱

۶. بحار ۷/۱۰۱

۹. امام صادق علیه السلام فرمود: زائر امام حسین علیه السلام وقتی از منزلش خارج می‌شود، بر چیزی نمی‌گذرد مگر آنکه برای او دعا می‌کند و خداوند و فرشته‌ای را می‌گمارد تا برای او استغفار کند.^۱

۱۰. کسی که امام حسین علیه السلام را با نیت خالص زیارت کند، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل او را مشایعت می‌کنند تا به منزل خود وارد شود.

سه یادسپاری

۱. اختلاف پاداش زیارت در گرو اختلاف درجات معرفت و محبت زائر است.
۲. در برخی از روایات زیارت امام حسین علیه السلام واجب قلمداد شده است. وجوب به معنای اصطلاحی است که ترک آن جایز نیست یا به معنای لغوی و متفاهم عرفی است که همان ثبات و لزوم است، در این زمینه دو قول نقل شده است.
۳. آثار و برکات زیارت به نحو اقتضاء است، نه علت تامه. به تعبیر دیگر این آثار در صورتی است که انسان از روی علم و عمد مرتکب گناه و معصیت نشود و هیچ فردی نمی‌تواند به این شعار غیرمعقول تمسک کند و بگوید «ما همه غرق گناهیم یک حسین داریم»، زیرا خود امام حسین علیه السلام برای از بین بردن گناه و معصیت در جامعه

قیام کرد. بنابراین آثار زیارت مربوط به گناهای است که از روی بی‌توجهی صورت گرفته است.

جامعیت زیارت امام حسین علیه السلام

زیارت خالصانه امام از چنان جامعیتی برخوردار است که پاداش آن از بسیاری از اعمال واجب و مستحب بیشتر است، مانند نماز، روزه، زکات، حج، صدقه، کمک در راه خدا، جهاد، آزادی بردگان، ذکر خدا، صلّه رحم، دیدار با مردم مؤمن، سیر کردن محرومان، قرض الحسنه و... که برای هریک از امور نام‌برده حدیث خاصی وارد شده است.^۱

اوقات زیارت امام حسین علیه السلام

در ارزش و عظمت آن امام بزرگوار همین بس که افزون بر مطلوب بودن زیارت در هر زمانی، در اوقات خاصی بدان سفارش ویژه‌ای شده است، مانند:

۱. زیارت هفتگی؛ روز جمعه وقت مخصوص زیارتی آن حضرت است و در روایات ترک آن جفای شدیدی در حق آن حضرت شمرده شده است.^۲

۱. بحار ۱۰۱/۱۸ و ۳۶ و ۳۳ و ۲۵ و ۱۰۴ و ۲۸۳ و ۳۵۷

۲. بحار ۱۰۱/۱۶

۲. ماهانه؛ در هر ماه زیارت آن حضرت توصیه شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در هر ماه امام حسین علیه السلام را زیارت کند، پاداش صد هزار شهید را دارد.^۱

۳. سالانه؛ زیارت سالانه به صورت هر سال یک مرتبه و در برخی از روایات سه مرتبه سفارش شده است. در پانزده روایت زیارت آن حضرت برای کسانی که از امکانات محروم هستند، سالی یک مرتبه توصیه شده است.^۲

۴. اعیاد؛ در اعیاد اسلامی مانند روز مبعث، عید غدیر، عید فطر، عید قربان و نیز عید نوروز و ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، زیارت آن حضرت سفارش شده است.^۳

۵. ماه‌ها؛ شب و روز یکم و پانزدهم ماه رجب، روز سوم و شب و روز عاشورا و روز سیزدهم که بدن مطهر او و یارانش به خاک سپرده شد. در ماه صفر نیز در روز اربعین زیارت آن حضرت توصیه شده است.^۴

برتری زائر امام حسین علیه السلام بر زائر بیت‌الله

الف. گاهی خداوند متعال به نظر لطف به زمینی می‌نگرد، از این رو عبادت در آنجا ثواب بیشتری دارد، مانند نماز در مسجد الحرام که ثواب آن معادل با صد هزار رکعت نماز است.

۱. بحار ۱/۱۰۱/۳۷.

۲. بحار ۱/۱۰۱/۱۷.

۳. بحار ۱/۱۰۱/۱۰۵.

۴. بحار ۱/۱۰۱/۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۲، ۴۱، ۴۰، ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱.

ب. گاهی خداوند نگاه مهرآگینی به زمانی می‌کند، بدین جهت ثواب عبادت در آن زمان بیشتر از اوقات دیگر است مانند شب و روز
(لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ).^۱

ج. گاهی خداوند به زمین و زمان نگرش مهرورزانه‌ای دارد، مانند وقوف در عصر روز عرفه در سرزمین عرفات. در روایات آمده است خداوند پیش از آنکه به زائران خود به نظر لطف و مرحمت بنگرد، زائران امام حسین علیه السلام را می‌نوازد. آری، به تعبیر شاعر:

و من حدیث کربلا و الکعبة للکربلاء بان علو الرتبة

از حدیث مفاخره کعبه و کربلا، برتری سرزمین کربلا آشکار گردید.^۲

آداب زیارت

در زیارت اهل بیت علیهم السلام آداب زیادی نقل شده که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

۱. طهارت از حدث و خبث.
۲. غسل زیارت.
۳. پوشیدن لباس پاکیزه.
۴. استعمال عطر در غیر زیارت امام حسین علیه السلام.

۵. قصد قربت.
۶. معرفت نسبت به امام.
۷. پای برهنه به زیارت رفتن.
۸. با حال سکوت و وقار راه رفتن.
۹. قدم‌ها را کوچک برداشتن.
۱۰. در هنگام رفتن مشغول ذکر خدا بودن.
۱۱. خضوع و خشوع داشتن.
۱۲. بوسیدن ضریح.
۱۳. توبه و استغفار.
۱۴. اذن دخول خواستن.
۱۵. انکسار قلب و اشک ریختن.
۱۶. ایستادن در حال زیارت مگر به ضرورت.
۱۷. گفتن صد مرتبه تکبیر یا تسبیح حضرت زهرا علیها السلام.
۱۸. خواندن زیارت مأثوره، بهترین آنها زیارت جامعه کبیره یا امین‌الله است و نیز خواندن نماز زیارت.
۱۹. با صدای آهسته زیارت کردن.
۲۰. امید و قصد بازگشت به زیارت.
۲۱. دعا کردن برای اقوام و دوستان، بلکه برای همه شیعیان.
۲۲. رعایت تقوا و پرهیزکاری و حسن خلق با مردم.
۲۳. احسان به مستمندان.

ثواب گریه بر امام حسین علیه السلام

مرحوم مجلسی در بحار الانوار جلد ۴۴ از صفحه ۲۷۸ تا ۲۹۶، سی و هشت روایت نقل کرده که گریه بر امام حسین علیه السلام ثواب فراوان دارد.

۳. امامان علیهم السلام، شعرا و مداحان را تشویق به مرثیه سرایی کردند: «من یکی خمسين - اربعين - ثلاثين - عشرين - عشرة - واحداً فله الجنة»^۱.

گریه پیوسته و جاودانه بر امام حسین علیه السلام

الف. قبل از ولادت؛ هنگامی که حضرت آدم بر عرش نگریست و نام‌های مقدس خمسه طیبه را دید، به خداوند عرضه داشت: «یا حمید بحق محمد و یا عالی بحق علی و یا فاطر بحق فاطمة و یا محسن بحق الحسن و یا قدیم الإحسان بحق الحسین». تا نام امام حسین علیه السلام را برد، قلبش شکست و اشک او جاری گشت، جبرئیل در بیان علت آن به مرثیه سرایی بر امام حسین علیه السلام پرداخت.^۲

برخی از انبیاء مانند نوح و موسی و سلیمان و ابراهیم علیهم السلام هنگام عبور از سرزمین کربلا به مشکلی برخوردند، وقتی علت را جویا

۱. بحار ۲۸۲/۴۴ - امالی صدوق ۱۴۱

۲. بحار ۲۴۵/۴۴

شدند، جبرئیل علیه السلام برای آنها موضوع شهادت امام حسین علیه السلام را مطرح کرد و آنان نیز گریه کردند.^۱

ب. پس از ولادت، پیش از شهادت؛ وقتی امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، جبرئیل و فرشتگان دیگر ضمن تبریک ولادت او به پیامبر، شهادت فرزندش را تسلیت گفتند و پیامبر گریه کرد.^۲

ج. پس از شهادت، پیش از قیامت؛ از روزی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید تا امروز، میلیون‌ها نفر برای آن مصیبت بزرگ مجلس سوگواری برپا کرده و اشک‌های فراوانی ریخته‌اند و به فضل الهی این سنت همچنان استمرار خواهد داشت.

د. روز قیامت حضرت زهرا علیها السلام در حالی که پیراهن خونین فرزندش را به دست دارد، وارد صحرای محشر می‌شود و بر سوگ او به شدت می‌گرید. آنگاه پیامبر و امامان و ملائکه و تمامی مؤمنان به سوگواری می‌پردازند و اشک می‌ریزند.^۳

سخنان معصومین علیهم السلام درباره امام حسین علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «حسین منی و انا من حسین».^۱

حضرت علی علیه السلام: «بأبی و امی الحسین».

امام مجتبی علیه السلام: «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله».

۱. بحار ۴۴/۲۴۴

۲. بحار ۴۴/۲۴۷

۳. منتخب طرحی ۱۸۷

۴. بحار ۲۳/۲۶۱



امام سجاد علیه السلام: «انا ابن من قتل سبری»^۱.

امام باقر علیه السلام: خداوند در عوض شهادت سه چیز عنایت کرد: «إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ الشُّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَ اجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ»^۲.

امام صادق علیه السلام: «حَنِكُوا اولادکم بتربة الحسين فَإِنَّهُ امان من كلِّ داء»^۳.

امام کاظم علیه السلام: «من زار قبر الحسين عارفاً بحقّه غفر الله ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر»^۴.

امام رضا علیه السلام: «يا بن الشيب ان كنت باكياً لشيء فابك للحسين»^۵.

امام جواد علیه السلام: آسمان گریه نکرده است مگر بر یحیی و حسین علیه السلام.

امام هادی علیه السلام: «اشهد أنك قد اقمت الصلوة و آتيت الزکوة».

امام عسکری علیه السلام: یکی از علائم مؤمن، خواندن زیارت اربعین است.

امام زمان علیه السلام: «لأبکینَ لک بدل الدّموع دماً»^۶.

۱. سبری: پرندهای که در قفس یا ترک چاقو کشته شود.

۲. وسائل الشیعه ۴۲۳/۱۴

۳. روضه الواعظین ۴۱۲/۲

۴. السائق ۱۲۸/۴

۵. وسائل الشیعه ۵۰۲/۱۴

۶. بهار ۲۳۷/۹۸

۳۰. درس‌هایی از امام حسین علیه السلام

هنگامی که انسان به گفتار و رفتار و کردار مردم می‌نگرد، آنها را سه گروه می‌بیند. برخی اهل شور هستند، تا نیمه شب عزاداری می‌کنند و بر سر و سینه می‌زنند، اما نسبت به نماز صبح خود بی‌اعتنا هستند، اگر قضا شد برایشان خیلی اهمیتی ندارد و غصه نمی‌خورند. برخی اهل شعار هستند، هر جا می‌نشینند می‌گویند نباید پارتی‌بازی باشد و لکن خودشان بارها پارتی‌بازی می‌کنند. لکن گروه سومی هستند که اهل شعورند. یعنی نه خیلی اهل شورند و نه اهل شعار، بلکه با شعور و فهم خوبی که خداوند به آنان داده مسائل را تحلیل و بررسی می‌کنند و وظایف خویش را به موقع انجام می‌دهند.

قرآن کریم این گروه را «اولوا الالباب» می‌نامد که هشت وصف برجسته آنان در سوره رعد بیان شده است: ۱. وفای به عهد ۲. صله رحم ۳. ترس از خدا ۴. ترس از معاد ۵. صبر ۶. اقامه نماز و پرداخت زکات ۷. انفاق ۸. دفع بدی به وسیله خوبی.^۱

نسبت به حادثه کربلا وقتی انسان بنگرد، تنها نباید به سر و سینه بزند و گریه کند، گرچه این کار بسیار با ارزش است و در

روایات ثواب‌های فراوانی برای عزاداری و گریه بر مظلومیت امام حسین علیه السلام وارد شده، از جمله اینکه «من یکی او ابکی او تباکی و جبت له الجنة».

مسئله بسیار مهم آن است که علاوه بر شور، انسان شعور و فهم داشته باشد. ببیند امام حسین علیه السلام به چه منظوری قیام کرد و چه درس‌هایی را می‌توان از حادثه کربلا گرفت.

در اینجا به ۲۵ درس انسان‌ساز از حادثه کربلا اشاره می‌کنیم؛

۱. صبر؛

قال الحسين علیه السلام: «أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَىٰ حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعَنَ الْأَلْسِنَةَ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ الْآ فَلَينصرف عنا»^۱.

۲. حقیقت‌گویی؛

«فَاللَّيْلِ سَتِيرٌ وَ السَّيْبِيلِ غَيْرُ خَطِيرٍ يَا أَهْلِي وَ شِيعَتِي اتَّخَذُوا هَذَا اللَّيْلَ جَمَلًا فَانْهَجُوا بِأَنْفُسِكُمْ فَلَيْسَ الْمَطْلُوبُ غَيْرِي». خود را نجات دهید.

۳. آزادگی؛

«وَ يَحْكُمُ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سَفْيَانَ إِنْ لَمْ تَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ»^۲.

۱. منابع المردة ۴۰۶

۲. لهوف ۱۱۹

۴. حمایت از دین؛

«انَّ النَّاسَ عبيدُ الدِّينِ و الدِّينَ لعقِ علي السستهم يحوطونه مادرت معاشتهم فإذا محصوا بالبلاء قلَّ الدِّيانون»^۱.

۵. بزرگواری حتی با دشمن؛

شمر در مجلس ابن زیاد برخاست و گفت فرزندان ام البنین از قبیله ما هستند، برای آنها امان نامه بنویس. ابن زیاد امان نامه را که نوشت، شمر آن را برداشت و آورد نزدیک خيام امام حسين علیه السلام و با صدای بلند فرزندان ام البنین را فراخواند: عبدالله، جعفر، عثمان، ابوالفضل! امام هیچکدام به او جواب ندادند. امام علیه السلام فرمود: «اجیبوه و إن كان فاسقاً فإنه بعض احوالکم»^۲.

چنانکه به اسب دشمن خود آب می دهد، وقتی در برابر سپاه حر قرار گرفت.

۶. وفاداری نسبت به برادر؛

در شهادت قمر بنی قاسم فرمود: «وا اخاه و اعباساه و ا مهجة قلباه و ا قرة عيناه و ا قلّة ناصراه يعزّ و الله على فراقك جزيت عن أخيك خيراً حيث نصرتنی حياً و ميتاً»^۳.

۱. بحار ۷۵/۱۱۶

۲. لهورف ۸۷

۳. معالی السیطن ۱/۴۴۰

۷. معرفی ستمگر و طاغوت زمان؛

امام حسین علیه السلام در اواخر زندگی معاویه، خیانت او را به صلحنامه بیان کرد، زیرا او می‌خواست برای یزید بیعت بگیرد. امام علیه السلام معاویه را به‌عنوان یک طغیانگر معرفی کرد و این کار را در سرزمین مقدّس منا انجام داد.

«مَا بَعْدَ فَإِنَّ هَذِهِ الطَّاغِيَةُ قَدْ فَعَلَ بِنَا وَبشِيعَتِنَا مَا قَدْ عَلِمْتُمْ وَرَأَيْتُمْ وَشَهِدْتُمْ...» بعد از آن کمالات خود و پدرش حضرت علی علیه السلام را بیان کرد.^۱

۸. حمد در برابر نعمت و نقت؛ ۹. اقرار به فضیلت دیگران؛

«أُثْنِي عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَاحْمَدُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أكرمْتَنَا بِالنَّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعاً وَابْصَاراً وَافْتَدَى لَنَا مِنْ الْمُشْرِكِينَ. مَا بَعْدَ فَإِنَّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْلَى وَ لَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَ لَا أَهْلَ بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ وَ لَا أَهْلَ بَيْتِي...»^۲

۱۰. پرهیز از دنیا؛ ۱۱. توشه‌گیری برای آخرت؛

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در جمع یاران خود فرمود:

۱. الفدیر ۱/۱۹۸

۲. ارشاد شیخ مفید ۲۳۱

«عباد الله اتقوا الله وكونوا من الدنيا على حذر فإن الدنيا لو بقيت لأحد أو بقي عليها أحد كانت الأنبياء أحقّ للبلاء واولى بالرؤسا وارضى بالقضاء غير ان الله تعالى خلق الدنيا للبلاء و خلق أهلها للفناء فجديدها بال و نعيمها مضمحل و سرورها مكفهر و المنزل بلغه و الدار قلعه (وتزودوا فإن خير الزاد التقوى) ^۱ (واتقوا الله لعلكم تفلحون) ^۲».

۱۲. گذشت از دنیا و اشتیاق به آخرت:

«صبراً بنى الكرام فما الموت إلا قنطرة تعبر بكم عن البؤوس والضراء الى الجنان الواسعة و النعيم الدائمة فأیکم یکره أن یشقل من سجن الى قصر» ^۳.

۱۳. اصلاح طلبی؛ ۱۴. امر به معروف و نهی از منکر؛

«و اتى لم اخرج اشراً و لا بطراً لا مفسداً و لا ظالماً و انما خرجت لطلب الإصلاح فى امة جدى رسول الله اريد أن آمر بالمعروف و أنهى عن المنکر و اسير بسيرة جدى و ابى على بن ابى طالب...» ^۴.

۱. بقره ۱۹۷

۲. بقره ۱۸۹

۳. بحار ۲۴/۲۹۷

۴. بحار ۲۴/۳۲۹

۱۵. نابود ساختن بدعت‌ها؛

«ان رسول الله قد قال من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحُرْمِ الله ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالإثم والعدوان فلم يغير بقول ولا فعل كان حقيقاً على الله ان يدخله مدخله»^۱.

۱۶. اجرای احکام الهی؛

«اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منّا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الحطام و لكن لِنُری المعالم من دینک و نُظهِر الإصلاح فی بلادک و یأمنُ المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سُننک و احکامیک»^۲.

«الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء الله حقاً»^۲.

۱۷. عدم بیعت با ستمگر زمان؛

«یزید رجل فاسق شارب الخمر قاتل النفس المحرّمه معلن بالفسق و مثلی لا یبایع مثله»^۳.

۱. بحار ۲۴/۲۸۱

۲. بحار ۹۷/۷۹

۳. بحار ۷۵/۱۱۶

۴. مقتل الحسين خوارزمی ۱/۱۸۴

۱۸. بذل جان در راه دوست؛ تعلیم و تزکیه مردم؛

«و بذل مهجته لیستتقد عبادک من الجهالة و حيرة الضلالة»^۱.

«من کان باذلاً فینا مهجته وموطننا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا»^۲.

۲۰. عفو و گذشت از گناه افراد؛

پذیرش توبه حربن یزید ریاحی در روز عاشورا.

۲۱. عزت طلبی؛

«یهیات منأ الذلّة» «و الله لا أعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا أفرّ فرارَ

العید»^۳.

۲۲. توکل؛ ۲۳. تسلیم؛ ۲۴. بندگی؛ ۲۵. مناجات با خداوند؛

در شب عاشورا فرمود: «فهو یعلم انی قد احبّ الصلوة و تلاوة کتابه و

کثرة الدعاء و الإستغفار»^۴.

«صبراً علی بلائک تسلیماً لأمرک لا معبود سواک یا غیاث

المستغیثین».

«اللهم انت ثقتی فی کلّ کرب»^۵.

۱. زیارت اربعین

۲. لهورف ۶۰

۳. بحار ۲۴/۱۹۱

۴. بحار ۲۴/۲۹۱

۵. بحار ۲/۲۵